



جانشین ترودو

مارک کارنی نخست‌وزیر کانادا شد



دستکاری احساسات

گفتاری از کاروئو ایشی گورو



بحران تلفات جاده‌ای

پیوستن پزشک‌های به پویش نه به تصادف



دور زدن مقامات

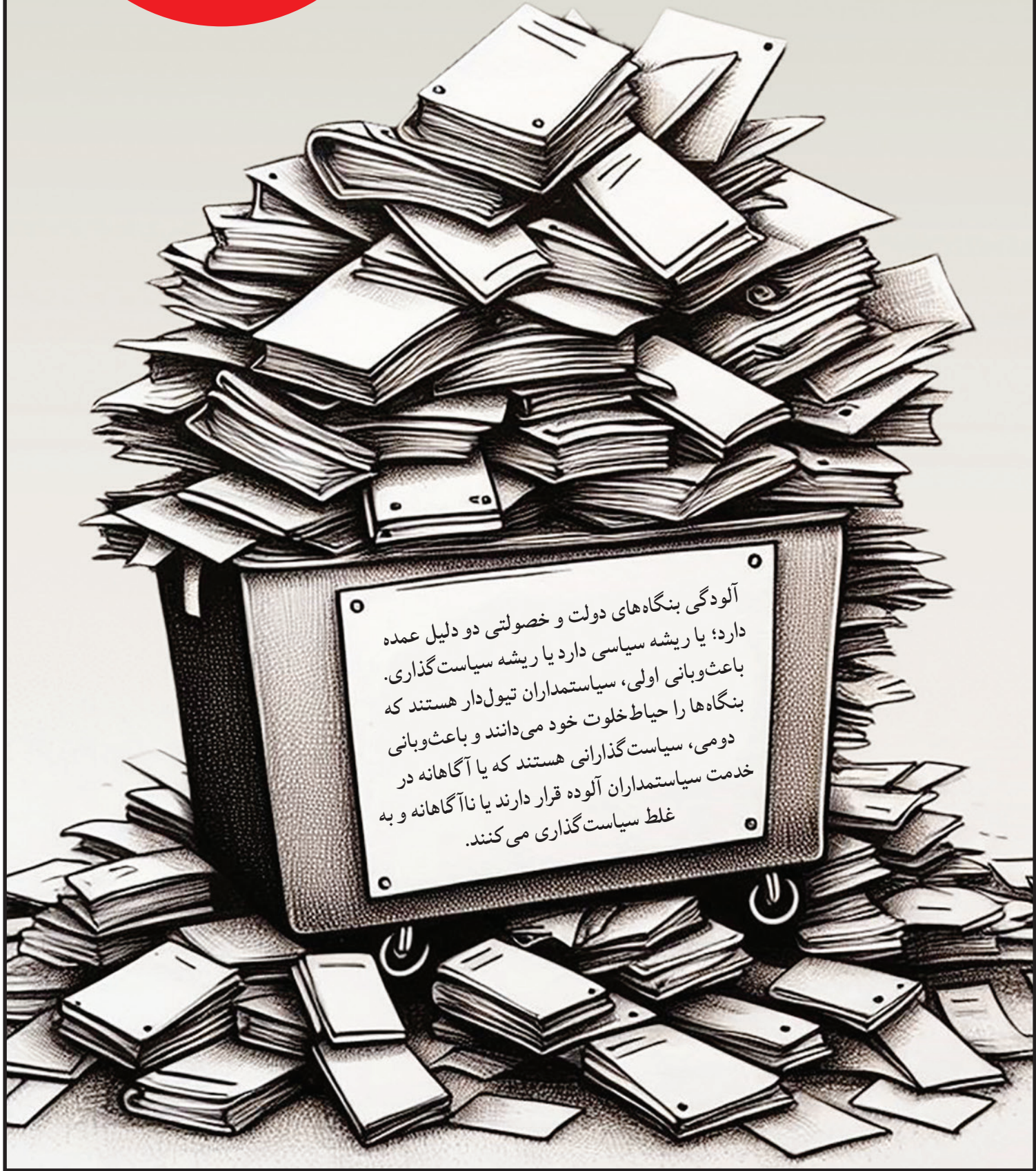
سازندگی بررسی می‌کند: مدیران بنگاه‌های بزرگ دولتی و خصولتی

چگونه با پنهان کاری و کاغذبازی، گزارش‌های مهمل و پوچ تولید می‌کنند و آنها را به مقامات می‌دهند؟

 سعید خوش‌بین
گروه اقتصاد

خیلی از رسانه‌ها آن بخش از بیانات رهبر انقلاب را درباره «گزارش مهمل» شرکت‌های دولتی منتشر کردند و آن را تدرت‌ترین تعبیری دانستند که ایشان نسبت به دولت‌های ۳۵ سال گذشته به کار برده‌اند اما این بیانات یک روی پنهان هم دارد که کمتر مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. این روی پنهان، قدرت و انحصار آشکاری است که بنگاه‌های بزرگ دولتی و خصولتی رقم زده‌اند و منجر به بی‌نظمی و پنهان‌کاری گسترده در اقتصاد کشور شده‌اند. این بنگاه‌ها که اغلب به حیاط‌خلوت سیاستمداران تبدیل شده‌اند چنانکه رهبر انقلاب به صورت تلویحی اشاره کردند نه از دولت فرمان می‌پذیرند و نه قواعد بازی اقتصاد را رعایت می‌کنند. اغلب این بنگاه‌ها انحصاری‌اند و از در زمره ذی‌نفعان اقتصاد ایران به حساب می‌آیند. بنگاه انحصاری، علاقه‌مند است که درهای ایران همیشه بسته بماند، ما با دنیا همیشه مشکل داشته باشیم و اقتصاد به سمت اصلاح پیش نرود. چون اگر مشکل ما با دنیا حل شود هم جغرافیای تجارت تغییر می‌کند و هم بنگاه‌هایی وارد اقتصاد ما می‌شوند که بنگاه انحصاری نمی‌تواند با آنها رقابت کند. البته حدی از تعارض برای این بنگاه‌ها بهینه است. مسعود نیلی نام این تعارض را «تعارض نرم» گذاشته است. به‌طور خلاصه، این گزارش دو وجه را در بیانات رهبر انقلاب برجسته می‌کند: نخست، انتقاد صریح از ناکارآمدی و گزارش‌های غیرواقعی شرکت‌های دولتی و دوم اشاره ضمنی به ساختار انحصاری اقتصاد که از تحریم‌های موجود به نفع خود بهره می‌برد.

ادامه در صفحه ۶



پاس گل رفیق دوست

دفتر محسن رفیق دوست پس از سه روز مصاحبه جنجالی او را تکذیب کرد و خبر داد که او در سنوات گذشته جراحی مغز با عوارض گسترده انجام داده است



سرمقاله

تناقض‌ها

هزینه‌ها به دلار و حقوق‌ها به ریال
اما قرارداد داخلی به دلار!



محسن هاشمی‌رفسنجانی
رئیس شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

با مراجعه به سایت خامنه‌ای دات آی آر مشاهده می‌شود، رهبر انقلاب در سخنان خود حذف دلار را تا حد ممکن از مبادلات ضروری دانسته یا وابستگی به دلار را مشکل اصلی کشور معرفی کردند. فرمودند: چرا به دلار حاکمیت می‌دهید و چرا رقیب ریال را تقویت می‌کنید و دلارزدایی از اقتصاد را مهم‌ترین اولویت سال ۱۴۰۳ دانستند و اعتراض کردند که چرا فلان شرکت بزرگ که متعلق به دولت است و مواد اولیه هم داخلی است، قیمت محصول خود را با دلار تلگرامی عرضه می‌کند.

با این مقدمه خبر قرارداد ۱۷ میلیارد دلاری برای تزریق گاز به مخازن نفت و گاز و حذف فلرها، توجه‌ام را جلب کرد. به نظر به جای دلارزدایی درحال دلارزدایی هستیم. اینکه واقعاً چرا با این همه تذکر در سیمای جمهوری اسلامی و با حضور مقامات ارشد ازجمله رئیس‌جمهور و وزیر نفت، مقامات نفتی با چهار شرکت داخلی ازجمله قاراگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرارداد را با افتخار به دلار امضا و مطرح می‌کند و در همان بخش خبری با اشاره به صحبت رهبری و رئیس‌جمهور از لزوم توجه به معیشت مردم می‌گویند.

اینکه این شرکت‌ها حاضر به قرارداد با ریال نیستند چه علتی دارد؟ آیا تمام فعالیت‌های آنها ارزی است و هیچ اثری از خودکفایی داخلی ندارد و اگر دارد که در این مورد هم ادعای زیاد و از توان داخلی در امر نفت و گاز و سکوهای نفتی و تجهیزات بارها گفته، نوشته شده است، چرا حداقل بخشی از قرارداد ریالی نیست. مگر قرار نیست که هم ریال تقویت شود و هم صنعت داخل فعال و خودکفایی میسر شود. یا چرا به جای کلمه ارزی از کلمه دلار استفاده می‌شود.

پس می‌توان نتیجه گرفت که دست‌اندرکاران حذف دلار خود می‌دانند که نمی‌توانند حداقل در طول اجرای این قراردادها به ریال اطمینان کنند لذا برای از بین بردن ریسک‌های خود در امر اجرای قرارداد و سود مربوطه به قرارداد دلاری رو آورده‌اند. یا اینکه اجرای قرارداد تماماً ارزی است که لاف خودکفایی چه می‌شود؟ ضمناً براساس شرایط عمومی پیمان، امکان استفاده از تعدیل مبتنی بر تورم هم وجود دارد.

از این نکته که بگذریم، حال اگر مشکل اصلی کشور و هدف دشمنان تضعیف معیشت مردم عنوان می‌شود چرا با مردم و حقوق‌بگیران و بازنشستگان چنین برخوردی نمی‌شود و با آنها قرارداد دلاری یا حداقل معادل دلاری امضا نمی‌شود. چراکه همان مشکل که قرارداد پیش گفته را ارزی کرده برای آنها هم صادق است.

شایان ذکر است فرضاً مدیر یا کارگر یا کارمندی در سال ۸۶ که دلار حدود ۹۰۰ تومان بوده است حدود ۶ میلیون تومان یا ۲ میلیون تومان یا ۴ میلیون تومان حقوق می‌گرفته و با برابری دلار حقوق آنها حدود ۶۰۰۰ دلار یا ۲۰۰۰ دلار یا ۴۰۰۰ هزار دلار بوده است ولی حال در سال ۱۴۰۳ که احیاناً همان مدیر ۵۰ میلیون تومان و همان کارگر ۱۲ میلیون تومان و همان کارمند ۲۵ میلیون تومان دریافت می‌کند در اصل معادل ۵۰۰ دلار، یا ۱۵۰ یا ۳۰۰ دلار دریافتی دارد. لذا آنچه را برای خود در وزارتخانه‌ها و شرکت‌های طرف قرارداد نمی‌پسندیم، چرا برای اکثریت جامعه می‌پسندیم. سعی می‌شود در مقالات پی‌درپی تناقض‌ها در گفتار و عمل را مطرح تا امکان اصلاح رفتار و عمل مسئولان کشور فراهم شود.

کانال سازندگی

روایت ناطق نوری در مورد گزینه‌های رهبری

محمدحسین رنجبران طی یادداشتی در مورد حاشیه‌های دیدار رضائی کارگزاران نظام با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، گفت‌وگوی خود با ناطق‌نوری، رئیس سابق بازرسی دفتر رهبری را منتشر کرد. او نوشت: آقای ناطق‌نوری همان موقع که پیشش بودم در پاسخ به سوال من که پرسیدم، شایعه کرده‌اند خبرگان سه نفر را برای رهبری بعدی گزینه قرار داده است، گفت: «این را نه به‌عنوان تحلیل که به‌عنوان خبر می‌گویم، چون با بزرگان خبرگان در این باره صحبت کرده‌ام. همه اینها که درمی‌آورند، کذب محض است و هیچ کسی مدنظر نیست و آیت‌الله خامنه‌ای اینقدر باهوش و مدبر و جدی است که اجازه بدعت هم در این باره نمی‌دهند».

افشاگری زیدآبادی در مورد الله‌کرم

احمد زیدآبادی و حسین الله‌کرم طی مناظره‌ای در «انتخاب» به بررسی اعتراضات در برهه‌های مختلف سه دهه اخیر پرداختند. زیدآبادی در قسمتی از این مناظره، دست به افشاگری درباره الله‌کرم زد و گفت: در زمان خانمی، یک هیات اروپایی برای حسن روابط آمده بود؛ الله‌کرم پشت سرشان تیراندازی کرد؛ آنها هم ترسیدند و رفتند. الله‌کرم نیز گفت: آقای آشنا در زمان حضورش در وزارت اطلاعات، من را فراخوان کرد.

تجمع مقابل دفتر آیت‌الله جوادی‌آملی

درحالی که رهبر معظم انقلاب به تازگی از جایگاه علمی آیت‌الله جوادی‌آملی تجلیل کرده بودند، برخی از تندروها با تجمع مقابل دفتر ایشان به ساخت این علامه معاصر اسانه ادب کرده‌اند. بنابر روایت نیمروز ۲۴ تندروها در ادامه اقدامات هتاکانه نسبت به ارکان کشور این بار به بهانه حجاب به ساخت آیت‌الله جوادی‌آملی توهین کردند. به نظر می‌رسد، جریانات تندرو در روزهای اخیر در تلاش برای ایجاد آشوب و ناآرامی در کشور هستند.

نظر نهایی اوایل بهار

مصطفی میرسلیم، عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید: آنچه درحال حاضر در کمیسیون‌های مجمع در دست بررسی است، دو میثاقی است: اول پالرمو یا جرائم سازمان‌یافته فراملی و دوم مقابله با پشتیبانی مالی از تروریسم. قبلاً ایرادهایی به این دو متن گرفته شده بود و در دولت دوازدهم توافق شد، موضوع مسکوت بماند. به گزارش ایران آنلاین، وی افزود: اکنون بررسی کارشناسی دقیقی درحال انجام است تا بر مبنای آنها بتوان مصلحت را تشخیص داد و نتیجه به احتمال زیاد در اوایل بهار معلوم خواهد شد.

زوری وجود نداشت

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور؛ شهدای ما هیچ‌گاه با زور و اجبار به دنبال تحمیل عقاید خود به مردم نبودند بلکه با اخلاق و رفتار عملی در مسیر اصلاح جامعه گام برمی‌داشتند چراکه براساس تعالیم دینی، نمی‌شود جامعه را با زور و تحکیم، اداره کرد و رفتار مردم نیز با دستور قابل تغییر نیست. معتمد اگر امروز نیز همان فرهنگ در جامعه تقویت شود، در روند اداره کشور مشکلی نخواهیم داشت و هیچ‌یک از تهدیدات دشمنان نیز کارساز نخواهد بود.

افشای فساددیش از افتخارات نظام است

محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه: رسیدگی به پرونده فساد جای دیش در زمره افتخارات نظام است؛ آن را به اغراض و تعلقات سیاسی و جناحی آلوده نکنیم؛ مقامات دولت قبل ازجمله شهید رئیسی و آقای مخبر در این خصوص ورود مجدانه داشتند. البته اینکه افرادی بگویند درخصوص احکام صادره قانع نشدند شاید درست باشد و ضرورت به تبیین‌گری بیشتر وجود داشته باشد.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی ایران

پاس گل رفیق دوست

دفتر رفیق دوست مصاحبه او را تکذیب کرد و خبر داد وی جراحی مغز با عوارض گسترده انجام داده است

◀ مسائل محرمانه و دارای طبقه‌بندی فوق سری

احمدعلی مسعودانصاری- از اعضای دربار پهلوی- در مصاحبه‌ای که سال ۱۳۹۹ با خبرگزاری تسنیم داشت، قتل تیمسار اویسی را به رژیم بعث عراق و قتل شهریار شفیق (فرزند اشرف پهلوی و افسر نیروی دریایی ارتش شاهنشاهی) را به اسرائیل مرتبط دانست. وی درباره ترور شفیق به تسنیم چنین گفته بود: «شهریار شفیق برنامه‌اش این بود که برای مقابله با تهاجم صدام به ایران بیاید و به نیروی دریایی ارتش بپیوندد. خواهر او آزاده شفیق این موضوع را به من گفت، البته مدام به من هم گوش‌زد می‌کردند که به او بگویم این کار را نکند و اقدامی خودسر مرتکب نشود. شهریار هدفش این بود به نیروی دریایی بپیوندد؛ شهریار برای انجام این کار با اسرائیلی‌ها مشورت می‌کرد. آنها به او گفتند این کار را انجام ندهد اما شهریار گوش نکرد و در نتیجه او را شب قبل از این که حرکت کند، کشتند. این موضوع را خانم آزاده شفیق برای من تعریف کرد. او همراه با برادرش پیش اسرائیلی‌ها می‌رفت. آزاده می‌گفت وقتی برادرم کشته شد، پیش رابط اسرائیلی رفتم و گفتم «شما کشتید؟» آن اسرائیلی نفی کرد اما برداشت خانم آزاده شفیق این بود که برادرش را اسرائیلی‌ها کشتند».

از سوی دیگر، شهریار شفیق با فریدون فرخزاد از وزن خاصی در بین چهره‌های معاند جمهوری اسلامی برخوردار نبودند که از جانب آنها احساس خطری شود و نظام، برنامه ترورشان را در خاک اروپا پی‌ریزی کند. اگر بر فرض صحت این ادعاها، مسئولیت ترور این افراد در خارج کشور با

آقای رفیق‌دوست بوده، بلاشک چنین موضوعی جزو مسائل محرمانه و دارای طبقه‌بندی فوق‌سری به شمار می‌رود و باید پرسید آیا این اسناد از حالت طبقه‌بندی خارج شده یا خیر؟ و اگر خارج شده، کجاست و چرا انتشار عمومی پیدا نکرده است؟ کدام دستگاه مجوز اعلام این مطالب را به آقای رفیق‌دوست داده است؟ آقای رفیق‌دوست از طرف چه کسی مسئولیت این کار را برعهده گرفته است؟

حال سوال این است که اگر فردی آتقدرباهوش و محاسبه‌گر بوده که توانسته چنین اقدامات پیچیده‌ای را انجام دهد و در کار خودش هم موفق باشد (درحالی که بعد از جنگ، وی توانست بنیاد مستضعفان را اداره کند و عزل شد) و در کنار آن توانسته چندین سال همه این اتفاقات را مخفی و مکتوم نگه دارد، طبیعتاً نمی‌تواند اینقدر همزمان جاهل باشد که به انتشار علنی این مسائل هم اقدام کند؛ این موضوع خود تردید در صحت سخنان رفیق‌دوست را مضاعف می‌کند!

طبق این تحلیل، اینها علامت سوال‌های مهمی‌اند که تاریخ شفاهی باید به آنها پاسخ دهد و نمی‌توان به بهانه حذف مصاحبه از پاسخ طفره رفت؛ زیرا اگر به اشتباه این ادعاها را منتشر کرده باشد، متهم به نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی است و اگر راست گفته باشد، متهم به انتشار اسناد طبقه‌بندی و در هر دو حال مدعی‌العموم باید برای کشف حقیقت به این مساله ورود کند. متأسفانه بارها پیش آمده که افراد به بهانه روایت‌گری خاطرات دوران مسئولیت خود اطلاعاتی ناقص یا اغراق‌آمیز بیان می‌کنند و گاه بیان چنین مواردی مورد سوءاستفاده رسانه‌های ضدانقلاب قرار می‌گیرد؛ ضبط تاریخ شفاهی از سوی رسانه‌ها و ثبت خاطرات شخصیت‌های برجسته، یک فعالیت ماندگار و درخور تقدیر است اما در نقطه مقابل، انتشار اطلاعات اشتباه و گاه کذب می‌تواند، تاریخ‌نگاری صحیح را با دشواری مواجه کند. برای جلوگیری از چنین آفت‌های سه‌شخص مصاحبه‌شونده باید مراقب اظهاراتش باشد و از بیان سخنان تردیدآمیز خودداری کند و هم رسانه‌ها در برخورد با خودبزرگ‌بینی‌های شاذ سعی کنند پیش از انتشار آنها را با رجوع به اسناد و مراکز تاریخ‌نگاری راستی‌آزمایی کنند.

◀ نتیجه‌گیری

مجموعه این واکنش‌ها نشان می‌دهد که اظهارات محسن رفیق‌دوست نه تنها به شفاف‌سازی رویدادهای گذشته کمکی نکرده بلکه ابهامات و سوالات جدیدی را ایجاد کرده و به بحث‌های داغی در مورد تاریخ انقلاب اسلامی و ترورهای سیاسی پس از آن دامن زده است. این رویداد، بار دیگر ضرورت بازخوانی دقیق و بی‌طرفانه تاریخ معاصر ایران به دور از جهت‌گیری‌های سیاسی و با تکیه بر اسناد و مدارک معتبر را یادآور می‌شود. همچنین این ماجرا نشان می‌دهد که اظهارنظرهای نسنجیده و غیرمستند، به‌ویژه در مورد مسائل حساس تاریخی و سیاسی، می‌تواند چه پیامدهای ناگواری برای وجهه کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی داشته باشد.

در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: چنان‌با افتخار صحبت می‌کند، گویی کشور را در مدار توسعه قرار داده است. انتظار این اظهارات را از تنائیهو برای تخریب چهره ایران داشتیم. همچنین عبدالله گنجی می‌گوید: فکر می‌کنید اگر جناب رفیق‌دوست وزیر اطلاعات، رئیس اطلاعات سپاه، رئیس قوه قضائیه، دبیر شورای عالی امنیت ملی و... بود الان چی می‌گفت؟ ظاهراً ایشان سیاست‌گذار- مجری: در سیستم امنیتی، سیستم قضایی، سیستم نظامی، اداره زندان‌ها، پایگاه‌های امنیتی خارج کشور، مسئول پشتیبانی جنگ، ملاقات‌کننده با روسای جهان صفر تا صد امام خمینی، مسئول امور اقتصادی کشور و در نهایت اسطوره شهره و شهوت در گفتن راست- دروغ هستند!

همچنین رحمت‌الله بیگدلی عضو شورای مرکزی حزب جمهوری ایران اسلامی در واکنش به ادعاهای رفیق‌دوست در



یادداشتی خطاب به محسنی‌اژه‌ای و محمدکاظم موحدی‌آزاد نوشت: «رؤسای محترم شورای عالی امنیت ملی، قوه قضائیه و دادستان کل کشور؛ در وضعیتی که دشمنان درصدد ایراد انواع اتهامات نادرست به ایران و جمهوری اسلامی هستند، ناگهان محسن رفیق‌دوست به آنان پاس گل می‌دهد! بینا و بین‌الله اگر یک خبرنگار یا فعال سیاسی چنین ادعایی می‌کرد الان کجا بود؟ مگر نه اینکه طبق ذیل اصل ۱۰۷ قانون اساسی، «رهبر هم در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.»؟! محسن رفیق‌دوست اتهامات سنگینی را به نظام زده است و انتظار می‌رود که با او طبق قانون برخورد شود».

◀ واکنش خبرگزاری تسنیم

به تحلیل تسنیم، این مصاحبه اگرچه به دلیل بنیان سست آن از صفحه سیایت دیده‌بان ایران حذف شده اما مستمسکی برای رسانه‌های خارج کشور شده است؛ چراکه برای اولین بار فردی در حوزه تدارکات مهم دفاع مقدس چنین ادعایی را مطرح می‌کند. این اظهارات رفیق‌دوست درحالی است که نه تنها جمهوری اسلامی بارها چنین اتهاماتی که بیشتر از سمت ضدانقلاب متوجه آن شده را رد کرده بلکه دقیقاً اسنادی مقابل ادعاهای معارضان نظام درباره قتل هر کدام از عناصر سابق جبهه ضدايراني ارائه کرده است. برای مثال درباره ترور فریدون فرخزاد، حسین دهباشی- مستندساز و تاریخ‌نگار- معتقد است وی در یک تسویه‌حساب درون‌سازمانی کشته شده است. دهباشی در یادداشتی در سال ۱۳۹۷ در سالگرد قتل فریدون فرخزاد نوشت که احتمالاً وی به دست سازمان درفش کاویانی به رهبری منوچهر گنجی کشته شده است. درفش کاویانی یکی از گروهک‌های سلطنت‌طلب و مخالف جمهوری اسلامی در خارج کشور بود که در آن مقطع مورد حمایت مالی سیا، دفاتر متعددی در اروپا و آمریکا و دارای شاخه نظامی و ایستگاه‌های رادیویی در ترکیه و عراق بود.

دهباشی معتقد است: «فرخزاد که از همکاری درفش کاویانی و مجاهدین خلق با رژیم بعث عراق در جریان جنگ با ایران شوکه شده بود به‌رغم مخالفت با رهبران جمهوری اسلامی تصمیم گرفت به ایران بازگشته و علیه فرقه رجوی افشاگری کند». دهباشی همچنین می‌گوید: منوچهر گنجی البته نقش درفش کاویانی را در قتل فرخزاد نمی‌پذیرد اما در گفت‌وگو با وی به صراحت از تغییر علنی ظاهر و رفتار فرخزاد در اواخر عمر و حتی روابط پنهان او با سفارت ایران در آلمان و قصدش برای بازگشت می‌گوید.

عباس سلیمی‌نمین- مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران- در بخشی از گفت‌وگوی ویدئویی خود با برنامه رادیکال اعتمادآل‌این درباره درخواست فریدون فرخزاد برای بازگشت به ایران و پشیمانی وی از همکاری با منافقین در تماس تلفنی با نشریه کیهان‌هویی سخن گفته بود. سلیمی‌نمین در این ایام (دهه‌های ۶۰ و ۷۰) مدیرمسئول کیهان‌هویی بود و از برنامه این هفته‌نامه برای ارتباط با همه ایرانیان خارج کشور و انتشار و نقد مطالب آنها در نشریات خارج کشور سخن گفته بود. فرخزاد به فاصله چند روز بعد از این تماس تلفنی به قتل رسید.

دفتر محسن رفیق‌دوست، وزیر اسبق سپاه و رئیس پیشین بنیاد مستضعفان مصاحبه اخیر وی با دیده‌بان ایران را تکذیب کرد. مصاحبه‌ای دو روز پیش منتشر و بسیار حاشیه‌برانگیز و جنجال‌آفرین شد. دفتر رفیق‌دوست با اشاره به جراحی مغز وی در سال‌های گذشته و عوارض گسترده آن، احتمال بروز اشتباه در یادآوری خاطرات و اسامی را مطرح کرده و تاکید کرد که اظهارات وی به لحاظ حقوقی و تاریخی قابل استناد نیست. در این توضیحات به طور خاص به بخش‌هایی از مصاحبه که به خاطرات دیگران از برخی ترورها در خارج از کشور اشاره دارد، پرداخته شده است. دفتر رفیق‌دوست تصریح می‌کند که سوال آخر مصاحبه در حقیقت ارجاع به مباحث و اسامی اشخاص دیگر و خاطرات آنها بوده و نقل قولی از افراد دیگر است. همچنین به‌عنوان نمونه، قتل فریدون فرخزاد به عنوان موردی که ارتباطی با دوران مسئولیت رفیق‌دوست نداشته، ذکر شده است. دفتر رفیق‌دوست با توجه به جمیع جهات و با در نظر گرفتن منافع نظام جمهوری اسلامی ایران از رسانه‌ها درخواست کرده است که از پیش‌داوری و قضاوت درباره مطالب مطرح شده توسط وی خودداری کرده و روایت درست را از منابع رسمی دریافت کنند.

این درحالی است که ادعاهای جنجالی محسن رفیق‌دوست، بازتاب‌های گسترده‌ای در رسانه‌ها و افکار عمومی داشته و واکنش‌های متفاوتی را برانگیخته است. رفیق‌دوست در این مصاحبه به تشریح جزئیاتی از ترور برخی چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی در خارج از کشور ازجمله غلامعلی

اویسی (از فرماندهان ارتش شاهنشاهی)، فریدون فرخزاد (هنرمند و مجری)، شاپور بختیار (آخرین نخست‌وزیر دوران پهلوی) و شهریار شفیق (فرزند اشرف پهلوی) پرداخته است. هرچند انتشار این سخنان در برهه حساس کنونی، که کشور با چالش‌های داخلی و خارجی متعددی روبه‌رو است، پرسش‌های فراوانی را در مورد اهداف و پیامدهای آن ایجاد کرده است.

◀ واکنش فرزند آیت‌الله لاهوتی

رفیق‌دوست در این مصاحبه علاوه بر موضوع ترورها به ماجرای درگذشت آیت‌الله سیدمحمود لاهوتی، از روحانیون برجسته انقلاب و نخستین امام‌جمعه رشت، نیز اشاره کرده است. وی مدعی شده که لاهوتی به دلیل همکاری خود و پسرش با سازمان مجاهدین خلق دستگیر شده و مرگ او در زندان به واسطه مصرف مرگ موش مشکوک نبوده است. این ادعا تازه‌ترین روایت از مرگ لاهوتی است که پدر هسر دو تن از فرزندان اکبر هاشمی‌رفسنجانی بود. این ادعا بلافاصله با واکنش تند سعید لاهوتی، فرزند آیت‌الله لاهوتی، مواجه شد. وی با رد ادعای رفیق‌دوست، تاکید کرد که پدرش نه با مرگ موش بلکه با سم استرکلین درگذشته است. لاهوتی با اشاره به گواهی پزشکی قانونی اظهار کرد که در روز قیامت مشخص خواهد شد که آیا پدرش خود سم را مصرف کرده یا به او خوراندند.

◀ واکنش سیدحسین موسویان، سفیر پیشین ایران در آلمان

رفیق‌دوست در بخش دیگری از این گفت‌وگو به تشریح جزئیات ترورهای پس از انقلاب در خارج از کشور پرداخته و مدعی شده است که «تیمی» در خارج از کشور، مسئولیت ترور افرادی چون غلامعلی اویسی، شهریار شفیق، فریدون فرخزاد و شاپور بختیار را بر عهده داشته و با ادبیات خاص خودش می‌گوید: «معمولاً بچه‌های باسک» مجری این عملیات بوده‌اند و اعضای گروه جدایی‌طلب باسک اسپانیا در ازای دریافت پول، این ترورها را انجام می‌دادند.

سیدحسین موسویان، سفیر پیشین ایران در آلمان در واکنش به این سخنان با ابراز شگفتی و تاسف به تلاش‌های خود و همکارانش در سفارت ایران در آلمان برای بازگرداندن ایرانیان مقیم این کشور، ازجمله فریدون فرخزاد، اشاره کرده است. موسویان تاکید کرده که فرخزاد پس از ابراز پشیمانی از گذشته خود، درخواست بازگشت به ایران را داشته و سفارت ایران نیز با تمام توان برای فراهم کردن زمینه بازگشت و تامین امنیت وی تلاش کرده است. اما، درحالی که فرخزاد در تدارک بازگشت به ایران بوده، خبر ترور وی منتشر شده و مقامات ایرانی در آن زمان، این ترور را به مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور نسبت داده‌اند.

◀ واکنش عرب‌سرخی و عبدالله گنجی

همچنین محسن رفیق‌دوست در مصاحبه اخیر خود، مسئولیت قتل ژنرال اویسی، بختیار، پسر اشرف پهلوی و فریدون فرخزاد را بر عهده گرفت. فیض‌الله عرب‌سرخی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در واکنش به گفته‌های رفیق‌دوست



دور جدید مذاکره با اروپا

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه: ما هیچ توجیهی برای فعال شدن مکانیسم ماشه نمی‌بینیم و فکر می‌کنیم طرف‌های مقابل نیز درحال رسیدن به این جمع‌بندی هستند که این موضوع چیزی نیست که از طریق آن به عنوان یک ابزار بخواهند امتیاز بگیرند و نسبت به تبعات هرگونه استفاده از چنین سازوکاری آگاهی دارند. احتمالاً دور جدید گفت‌وگو با اروپا اواخر اسفند ماه برگزار خواهد شد.



خلع سلاح پ.ک.ک

دولت باغجلی، رئیس حزب راست افراطی ترکیه خواستار خلع سلاح فوری و بی‌قیدوشرط حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) و گروه‌های وابسته آن شد و تأکید کرد که دوره درگیری‌های مسلحانه رو به پایان است. باغجلی که متحد رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه به شمار می‌رود، در ادامه تأکید کرد که ترکیه با وحدت ملی و اقدامات قاطع، خودش را از ترویرسم خلاص می‌کند.

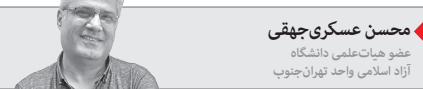


نتانیاهو به مجارستان می‌رود

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل طی دو هفته آینده به مجارستان سفر می‌کند. این درحالی است که دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌تر حکم جلب نتانیاهو را به دلیل جنایت‌های جنگی در غزه صادر کرده بود. از مسئولان دیپلماتیک اسرائیلی خواسته شده برای این سفر آماده باشند. طبق گزارش کانال ۱۳ تلویزیون اسرائیل، نتانیاهو طی نشست‌هایش در مجارستان موضوع دیوان کیفری بین‌المللی را بررسی خواهد کرد.

عبور از بن‌بست

ایران چگونه از مجرای منطق واقع‌گرایانه «کنت والتز» به تعادل‌بخشی قدرت روی آورد؟



محسن عسکری جهقی
عضو هیأت علمی دانشگاه
آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

در جهانی که تعادل قدرت به سرعت درحال تغییر است، ایران در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های تاریخ معاصر خود قرار دارد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی که زمانی با راهبرد «نه جنگ، نه مذاکره» و تکیه بر نفوذ منطقه‌ای تعریف می‌شد، اکنون برابر واقعیت‌هایی سخت و غیرقابل انکار به آزمون گذاشته شده است. ایران تا پیش از این با توسل به این راهبرد و تلفیق آن با صبر استراتژیک کوشید ضمن مقاومت برابر زیاده‌خواهی‌ها از درگیری مستقیم با غرب اجتناب کرده، همزمان از مذاکره آشکار با آمریکا دوری جوید اما تحولات پرشتاب منطقه‌ای و جهانی در کنار مشکلات داخلی و فشارهای اقتصادی، تداوم این راهبرد را با چالش مواجه کرده است. شاید زمان آن رسیده که ایران به منطق واقع‌گرایانه کنت والتز، نظریه‌پرداز برجسته روابط بین‌الملل روی آورد. والتز معتقد است که در جهانی بی‌قانون و آناشیک، دولت‌ها برای بقا باید از طرق گوناگون اعم از مذاکره، مقاومت، سازش یا ترکیبی از آنها به تعادل‌بخشی به قدرت روی آورند. این چارچوب نظری نه فقط کلید فهم تصمیمات گذشته ایران است بلکه می‌تواند شکل‌دهنده گزینه‌های پیش‌رو نیز باشد. شرایط اقتصادی و تغییرات چشمگیر در وضعیت متحدان منطقه‌ای و نیابتی ایران در کنار متحدی چون روسیه، جمهوری اسلامی را در موقعیتی قرار داده که باید استراتژی جدیدی طراحی کند. این وضعیت می‌تواند به مسیرهای متفاوتی بینجامد:

تداوم سیاست کنونی، توافقی برابر و غیرمنتظره با آمریکا، یا چرخشی استراتژیک که عزت و بقای جمهوری اسلامی را توأمان تضمین کند. در این تحلیل از منظر کنت والتز با نگاهی واقع‌گرایانه به بازیگران کلیدی و مولفه‌های اصلی وضعیت جاری همچون پرونده هسته‌ای و مکانیسم ماشه (اسنپ‌ک) این سناریوها را بررسی می‌کنم.

◀ دیپلماسی پویا در سایه خطر

جمهوری اسلامی در دهه‌های گذشته نشان داده که قادر است در لحظات بحرانی از سیاست‌های انعطاف‌ناپذیر به تصمیم‌هایی عمل‌گرایانه چرخش کند. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ برای پایان جنگ با عراق، مذاکره مستقیم با صدام حسین، مذاکرات منتهی به برجام و از سرگیری روابط با عربستان (دوبار) مشتق از نمونه خروار است که درایت و هوشمندی قوّه عاقله و هنرمندی دیپلمات‌های ایرانی را اثبات می‌کند. رفتار جمهوری اسلامی ایران را می‌توان با استناد به نظریه واقع‌گرایی کنت والتز تحلیل کرد که بر بقای دولت‌ها در نظام آناشیک بین‌المللی از طریق تعادل‌بخشی به قدرت تأکید دارد. سال ۱۹۸۸ ایران پس از سال‌ها جنگ فرسایشی با عراق با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از یک مخمصه نظامی و اقتصادی خارج شد. والتز استدلال می‌کند که دولت‌ها در چنین شرایطی، وقتی قدرت نظامی و اقتصادی‌شان به آستانه بحران می‌رسد برای حفظ بقا به سازش‌های استراتژیک روی می‌آورند. ایران با این اقدام، بقای خود را حفظ کرد. به همین ترتیب در مذاکرات برجام در سال ۲۰۱۵ ایران با درک فشار تحریم‌ها و نیاز به بازسازی اقتصاد در مواضع سخت‌گیرانه خود انعطاف نشان داد و با تعادل‌بخشی به قدرت خارجی (مذاکره با غرب) فرصتی برای تنفس پیدا کرد. اما امروز، استراتژی «آستانه درگیری» (Brinkmanship Policy) که زمانی اهرمی برای فشار بر غرب بود، به شمشیری دوقله بدل شده است. از یک‌سو، ایران امیدوار است با تکیه بر اتحاد با روسیه و چین برابر فشار حداکثری ترامپ مقاومت کند. از سوی دیگر، شهادت متحدان منطقه‌ای چون سیدحسن نصرالله و اسماعیل هنیه و اقتصادی که زیر بار تحریم‌ها فشار فزاینده‌ای را تحمل می‌کند، تداوم این راهبرد را با چالش مواجه می‌کند. در چنین

شرایطی، هدف اصلی ایران دیگر نه گسترش نفوذ بلکه باید تقویت توان داخلی به منظور مقاومت برابر فشارهای داخلی و خارجی باشد.

◀ بن‌بست مذاکره

تاریخ دیپلماسی ایران نشان می‌دهد که مذاکره با آمریکا همواره موضوعی حساس و آکنده از بدبینی بوده است. حتی در زمان برجام گفت‌وگوها میان ایران و آمریکا مستقیم نبود و از طریق گروه ۵+۱ پیش رفت. جمهوری اسلامی که تجربه فشار حداکثری و خروج آمریکا از برجام را پشت سر گذاشته، مذاکره را بیش از آنکه ضرورتی استراتژیک ببیند، ابزاری تاکتیکی می‌داند، ابزاری که فقط در شرایطی خاص و با تضمین‌هایی محکم به کار گرفته می‌شود. اظهارات اخیر مقامات ازجمله سخنان رئیس‌جمهوری در مجلس شورای اسلامی که آشکارا از مخالفت صریح رهبر انقلاب با مذاکره و گفت‌وگو با آمریکا



پرده برداشت، گواه این مدعاست. در شرایط کنونی با اقتصادی تحت فشار و فقدان متحدان منطقه‌ای، ایران شاید بیش از هر زمان دیگری به مذاکره نیاز داشته باشد اما بدبینی تاریخی و فقدان اعتماد، این مسیر را به بن‌بستی دیپلماتیک تبدیل کرده است.

◀ بازیگران میدان: از تهدید اسرائیل تا میانجیگری روسیه

میان بازیگران این صحنه، اسرائیل و روسیه نقشی تعیین‌کننده دارند. اسرائیل، با استراتژی جنگ فرسایشی، با ایران مقابله می‌کند. نتانیاهو اکنون در موقعیتی است که نمایش تجاوز سه ایران را با حمایت ضمنی دولت جدید آمریکا اجرا می‌کند و به‌زعم خود قصد دارد، ضربه‌ای قاطع به ایران وارد کند. اظهارات رئیس جدید ستاد مشترک ارتش اسرائیل که سال ۲۰۲۵ از سال جنگ با ایران خواند، هرچند می‌تواند ادعایی گرافه و اغراق‌آمیز تلقی شود، بیانگر تداوم تقابل اسرائیل با تهران است. با این حال، هرج‌ومرج احتمالی ناشی از چنین اقدامی ممکن است با هدف اسرائیل برای اثبات ثبات منطقه‌ای در تضاد باشد؛ از این‌رو، اسرائیل با زبان تهدید می‌کوشد، آمریکا و غرب را در جبهه خود متحد نگاه دارد و از سوی دیگر با تقویت معاهده ابراهیم و انزوای بیشتر ایران و تداوم جنگ فرسایشی، جمهوری اسلامی را به تداوم فرسایش وادارد. در مقابل، روسیه که خود را میانجی بالقوه میان ایران و آمریکا معرفی کرده بیش از آنکه شریکی استراتژیک باشد، ایران را اهرمی در بازی قدرت با غرب می‌بیند تا از این رهگذر، مشکلات خود را حل کند. مذاکرات اخیر آمریکا و روسیه در عربستان نیز نشان‌دهنده آن است که مسکو حاضر است، امتیازاتی بگیرد و امتیازاتی بدهد.

◀ پرونده هسته‌ای: اهرم یا تهدید؟

پرونده هسته‌ای ایران، که زمانی اهرمی برای چانه‌زنی بود، اکنون به پاشنه‌اشیل آن بدل شده است. گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ویژه اظهارات رافائل گروسی مبنی بر انباشت اورانیوم غنی شده نزدیک به سطح تسلیحاتی، فشار بین‌المللی را تشدید کرده است. مکانیسم اسنپ‌ک، که تا مهر ماه ۱۴۰۴ مهلت قانونی دارد،

همچنان تهدیدی جدی است؛ فعال شدن آن می‌تواند ایران را بار دیگر تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل قرار دهد و تحریم‌های فلج‌کننده را احیا کند. این ابزار، اگرچه از نظر سیاسی تضعیف‌شده هنوز موثر است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

◀ سناریوهای پیش‌رو

۱- تداوم وضعیت کنونی: ادامه سیاست «آستانه درگیری» با امید به بهبود اوضاع از طریق متحدان شرقی یا کاهش فشار غرب. اما این مسیر، با توجه به انزوای منطقه‌ای و شکنندگی اقتصادی، می‌تواند به تزلزل بیشتر منجر شود و ایران را برابر فعال‌سازی اسنپ‌ک آسیب‌پذیرتر کند.

۲- توافق غیرمنتظره: چرخشی ناگهانی به سوی مذاکره برابر با آمریکا شاید با میانجیگری روسیه، چین یا قطر که طی آن ایران بخشی از خواسته‌های خود را فدا کند تا فشارها را کاهش دهد. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که ایران، تصمیم‌هایی غافلگیرکننده گرفته است.

۳- دیپلماسی پویا از موضع قدرت: سناریویی که در آن ایران با درایت از ظرفیت‌های دیپلماتیک خود برای تبدیل تهدید به فرصت استفاده می‌کند. در این مسیر، ایران می‌تواند از یک میانجی بی‌طرف مانند قطر و نه روسیه یا چین براساس تاکتیک مثلث‌بندی هنری کیسینجر در مذاکرات آمریکا و چین بهره برده تا بدون مذاکره مستقیم با آمریکا، توافقی محدود اما موثر شکل دهد. به عنوان مثال توقف موقت غنی‌سازی در سطوح بالا و ذخیره‌سازی آن به صورت امانی نزد کشوری ثالث مورد اعتماد طرفین به عنوان گامی اعتمادساز در ازای رفع تحریم‌های نفتی، بازگشت به سوئیفت و آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده

ایران، می‌تواند اولین گام باشد.

این سناریو با تکیه بر رویکرد عمل‌گرایانه دونالد ترامپ که به دنبال «معامله» است و بیش از درگیری به کسب «جایزه صلح نوبل» می‌اندیشد، می‌تواند اقتصاد ایران را احیا کند، بی‌آنکه به اصول نظام خدشه‌ای وارد شود. از منظر علمی، این رویکرد با نظریه‌های کلاسیک روابط بین‌الملل مانند واقع‌گرایی کنت والتز هم‌راستاست. همان‌طور که ایران در سال ۱۹۸۸ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از یک جنگ فرسایشی خارج شد و در ۲۰۱۵ با برجام فشار اقتصادی را کاهش داد همچنین روابط خود با عربستان سعودی را احیا کرد، امروز نیز می‌تواند با این دیپلماسی هوشمند از تنگنای کنونی خارج شود.

◀ نتیجه‌گیری

ایران در وضعیت تعیین‌کننده از سیاست خارجی خود ایستاده، جایی که گزینه‌هایش سرنوشت‌سازند. در جهانی که نظم آناشیک والتزی بر آن حاکم است، بقای دولت‌ها مستلزم تصمیم‌گیری‌های واقع‌گرایانه و تعادل‌بخشی مداوم به قدرت است. سیاست «آستانه درگیری» که زمانی ابزار نفوذ منطقه‌ای ایران بود، امروز به چالشی تبدیل شده که هزینه‌های آن از مزایایش فراتر رفته است. در این میان سه مسیر اصلی پیش‌روی جمهوری اسلامی قرار دارد: تداوم وضع موجود، توافقی غیرمنتظره با آمریکا، یا دیپلماسی هوشمندانه و پویا که از موضع قدرت اما با انعطاف عمل کند. در این میان گزینه سوم واقع‌بینانه‌تر به نظر می‌رسد. ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماتیک و بدون عقب‌نشینی از اصول خود، تهدیدها را به فرصت تبدیل کند. استفاده از میانجی‌هایی مانند قطر، اعمال تاکتیک‌های مذاکرانی چندلایه و بهره‌برداری از نیازهای ژئوپلیتیک سایر قدرت‌ها می‌تواند، راهی برای خروج از بن‌بست کنونی باشد. تجربه تاریخی ایران نشان داده که لحظات بحرانی، تصمیم‌های راهبردی و انعطاف‌پذیر ضامن بقای آن بوده‌اند. امروز نیز چنین لحظه‌ای فرا رسیده است؛ لحظه‌ای که نیازمند دیپلماسی‌ای فراتر از شعارها و مبتنی بر واقعیت‌های قدرت در نظم بین‌المللی است.

دیدگاه: گزارش خارجی

جانشین ترودو

مارک کارنی، رهبر جدید حزب لیبرال کانادا چگونه قرار است مقابل ترامپ بایستد؟

مارک کارنی با سابقه ریاست بانک مرکزی دو کشور مختلف، پس از نشستن در جایگاه جاستین ترودو به عنوان رهبر حزب حاکم، یعنی «حزب لیبرال» قرار است نخست‌وزیر بعدی کانادا شود. حزب لیبرال کانادا یک‌شنبه نهم مارس (۱۹ اسفند)، مارک کارنی را به عنوان رهبر جدید خود انتخاب کرد و بدین‌ترتیب او جایگزین جاستین ترودو شد. کارنی در چند روز آینده، رهبری دولت کانادا را نیز بر عهده خواهد گرفت. جاستین ترودو در تاریخ ششم ژانویه (۱۷ دی) از سمت خود کناره‌گیری کرد. افزایش مشکلات داخلی و کاهش شدید محبوبیت او در کانادا منجر به این تصمیم شد. با این حال، او وعده داده بود که تا زمان انتخاب رهبر جدید حزب در قدرت باقی بماند.

ترودو در ماه‌های منتهی به کناره‌گیری خود با فشارهای فزاینده‌ای از درون حزیش روبه‌رو شد. کاهش اعتماد اعضای حزب به او، نظرسنجی‌های ناامیدکننده‌ای را به دنبال داشت. در این نظرسنجی‌ها، رقیب اصلی او، «بی‌یر پوآلی‌پور» از حزب محافظه‌کار با اختلافی دورقمی از ترودو پیشی گرفته بود. مارک کارنی با کسب نزدیک به ۸۶ درصد آرا با اختلافی چشمگیر در انتخابات رهبری حزب لیبرال پیروز شد. او در نخستین سخنرانی خود به‌عنوان رهبر جدید حزب، موضعی قاطع در برابر تهدیدهای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده، اتخاذ کرد.

کارنی هشدار داد: «کسی در تلاش است که اقتصاد ما را تضعیف کند.» او سپس صراحتاً نام برد و گفت: «دونالد ترامپ. همان‌طور که می‌دانیم، او تعرفه‌های ناعادلانه‌ای بر کالاهایی که تولید می‌کنیم، محصولاتی که می‌فروشیم و شیوه کسب‌وکار ما اعمال کرده است. او به خانواده‌ها، کارگران و کسب‌وکارهای کانادایی حمله کرده است و ما نمی‌توانیم اجازه دهیم که موفق شود.» وی تأکید کرد که کانادا تا زمانی که «آمریکایی‌ها به ما احترام نگذارند» به سیاست اعمال تعرفه‌های تلافی‌جویانه خود ادامه خواهد داد. او افزود: «ما به دنبال این درگیری نبودیم اما وقتی کسی چالش را آغاز کند، کانادایی‌ها همیشه آماده‌اند.» سپس با اشاره‌ای به ورزش ملی کانادا گفت: «آمریکایی‌ها نباید دچار اشتباه شوند؛ در تجارت، همانند هاکی، این کاناداست که پیروز خواهد شد.»

مارک کارنی پیش از ورود به سیاست، نقش‌های کلیدی در مدیریت بحران‌های مالی ایفا کرده بود. او به عنوان رئیس بانک مرکزی کانادا توانست کشور را از بحران‌های اقتصادی عبور دهد. در سال ۲۰۱۳ با تصمیم نخست‌وزیر وقت بریتانیا، بوریس جانسون، به عنوان رئیس بانک مرکزی انگلستان منصوب شد و نخستین فرد غیرانگلیسی بود که از زمان تأسیس این بانک در سال ۱۶۹۴ این سمت را بر عهده گرفت.

انتصاب او در بریتانیا با استقبال گسترده‌ای از سوی هر دو جناح سیاسی روبه‌رو شد چراکه مارک کارنی در سطح جهانی به عنوان یک چهره برجسته اقتصادی شناخته می‌شد. در دوره مدیریت او، کانادا یکی از نخستین کشورهای بزرگی بود که توانست از آسیب‌های بحران مالی سال ۲۰۰۸ خارج شود. جنگ تجاری دونالد ترامپ و اظهارات او درباره تبدیل کانادا به پنجاهویکمین ایالت آمریکا، خشم بسیاری از کانادایی‌ها را برانگیخته است. بسیاری از مردم سفرهای خود به ایالات‌متحده را لغو کرده‌اند و تا حد امکان از خرید کالاهای آمریکایی پرهیز می‌کنند. افزایش حس ملی‌گرایی در میان کانادایی‌ها باعث تقویت موقعیت حزب لیبرال در انتخابات پارلمانی پیش‌رو شده است. جایگاه این حزب در نظرسنجی‌ها به طور مداوم در حال بهبود است. مارک کارنی با هشدار نسبت به تهدیدهای آمریکایی گفت: «آمریکایی‌ها منابع ما، آب ما، زمین ما و کشور ما را می‌خواهند. به آن فکر کنید. اگر موفق شوند، شیوه زندگی ما را نابود خواهند کرد.»





سال هشتم شماره ۱۹۳۰
سه‌شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۳

پیشنادهایی برای دیدن

تماشا

گزارش سینمای جهان

باند فقط بریتانیایی

بازیگر سابق مامور ۰۰۷
خواستار انتخاب بازیگر **انگلیسی** شد



پیرس برازنان، بازیگر سابق نقش جیمز باند، تاکید کرد که شخصیت بعدی این جاسوس مشهور باید یک بریتانیایی باشد.

این بازیگر ایرلندی که از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ نقش جیمز باند را بازی کرده معتقد است که بازیگر نقش مامور ۰۰۷ باید بریتانیایی باشد، این درحالی است که پیش از این شایعاتی مبنی بر انتخاب یک بازیگر آمریکایی برای این نقش مطرح شده بود. برازنان ۷۱ ساله همچنین از تصمیم واگذاری کنترل خلاقانه این سری فیلم اکشن و جاسوسی به کمپانی آمازون-ام‌جی‌ام استقبال کرد و به روزنامه تلگراف گفت: «امیدوارم آمازون با این فیلم و شخصیت با وقار، با احترام برخورد کند».

هرچند نمی‌توان انتظار داشت که حداقل تا چند ماه آینده تکلیف «جیمز باند» بعدی روشن شده باشد، اما به نظر می‌رسد یک چیز درباره سرنوشت باند قطعی است: باند، جیمز خواهد ماند و جین نمی‌شود!

به گفته منابع داخلی آمازون، جیمز باند، زن نخواهد شد و همچنان بریتانیایی باقی خواهد ماند. درحالی که درباره آینده باند شک‌های زیادی وجود دارد و اظهارنظرهای زیادی می‌شود، اما آمازون متعهد است که روح باند را زنده نگه دارد.

کنترل خلاقانه سری فیلم‌های «جیمز باند» به مبلغ ۷۷۰ میلیون پوند به کمپانی آمازون-ام‌جی‌ام فروخته شد و در فوریه توافقی صورت گرفت تا باریبار بروکولی و مایکل جی. ویلسون به عنوان فرزندان تهیه‌کننده اصلی بر این سری فیلم نظارت داشتند، همچنان به‌عنوان مالکان مشترک باقی بمانند اما هیچ کنترل خلاقانه‌ای بر فیلم‌های جدید نخواهند داشت. گفته شده باریبار بروکلی که مالک قبلی این برند بود، پیش از اینکه با فروش امتیاز مالکیت این شخصیت به قیمت یک میلیارد دلار به آمازون موافقت کند، اصرار داشت که مامور ۰۰۷ مرد و بریتانیایی باقی بماند.

درحالی که هنوز هیچ فیلمنامه، کارگردان یا بازیگر اصلی مشخصی برای فیلم جدید «جیمز باند» وجود ندارد، آرون تیلور-جانسون، توتو جیمز و جیمز نورتن همگی از گزینه‌های محبوب برای نقش مامور ۰۰۷ مطرح شده‌اند. میل آتالین گزارش داد که یک منبع از آمازون گفته است که بازیگر «بایسد بریتانیایی یا از کشورهای مشترک‌المنافع و باید مرد باشد».

خبر این واگذاری با واکنش‌های متفاوتی از طرف هواداران در فضای مجازی همراه شد و برخی نگران هستند که کمپانی آمازون ممکن است یک بازیگر غیرسفیدپوست را برای نقش این جاسوس انتخاب کند، یا او را در یک فیلم بعدی به‌عنوان یک شخصیت همجنس‌گرا معرفی کند.

در همین حال، برخی دیگر نسبت به پتانسیل پیشرفت خوشبین بودند و امیدوار بودند که آمازون این شخصیت معروف به زن‌ستیزی را پاکسازی کند، شخصیتی که یک بار توسط مجله اسکوتر به‌عنوان یک «متجاوز» توصیف شده بود، تا بتواند به مخاطبان جوان‌تری که ممکن است این شخصیت را بیشتر «احمقانه» تا «جذاب» بدانند، جذب کند.

در ۲۳ سال گذشته تنها پنج فیلم جیمز باند ساخته شده و این مجموعه با رقابت شخصیت‌های اکشن مدرن‌تر و سریع‌تری مانند جان ویک و جیسون بورن مواجه شده است.

آخرین فیلم جیمز باند با عنوان «ام‌ام‌ای برای مردن نیست» در سال ۲۰۲۱ در سراسر جهان ۷۷۴ میلیون دلار فروش داشت.



مادنی‌ها با فرزند حسنی

برنامه «مادنی‌ها» با نام قبلی «مسابقه بی‌سابقه» با اجرای فرزند حسنی که از مدت‌ها قبل وعده پخش آن از شبکه نسیم داده شده بود، این روزها درحال تولید است و سرانجام در ایام نوروز روی آنتن می‌رود. مسابقه «مادنی‌ها» از سوم فروردین از شبکه نسیم پخش خواهد شد. برنامه «مادنی‌ها» مسابقه‌ای در حوزه اطلاعات عمومی است که شامل هفت مرحله است و در هر مرحله یک نفر حذف می‌شود.



بازگشت متیو مک‌کانهی

متیو مک‌کانهی، بازیگر برنده اسکار، پس از ۶ سال دوری از بازیگری، با فیلم «رقبای شاه آمریکا» دوباره به سینما بازگشته است. در نخستین روز فیلمبرداری، تیش زنیور باعث تورم یکی از چشمان او شد. مک‌کانهی در مصاحبه‌ای با شوخی از اضطراب بازگشت به سینما پس از این وقفه طولانی صحبت کرد. در این مدت، او کتاب خاطرات خود «چراغ‌های سبز» را نوشت و همچنین در انیمیشن «آواز ۲» صدایشگي کرد.



پیگی بلائیندرز در سینما

استیون نایت خالق «پیگی بلائیندرز» می‌خواهد طرفداران این مجموعه، فیلم جدید را در سینماها ببینند و دسته‌جمعی در یک فضا به تماشای آن بنشینند. نایت گفته است: واقعاً می‌خواهم طرفداران «پیگی» که نقش مهمی در شکل‌گیری این فیلم داشته‌اند، همه آن را با هم در یک ساختمان تماشا کنند. تاکنون همه ارتباط‌ها مجازی بوده است، اما دلم می‌خواهد این فیلم در سینماها نمایش داده شود.

مدیران بلا تکلیف

مدیران تلویزیونی در برابر سریال‌های پرمخاطب سال‌های گذشته بلا تکلیفند



گلاویژ نادری
دبیر گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

همزمان با پخش سریال «بزنگاه» از شبکه آی‌فیلم، سانسور بیش از حد این مجموعه واکنش‌های زیادی را در فضای مجازی برانگیخته است. بسیاری از کاربران به پرش‌های ناگهانی سکانس‌ها و حذف گسترده دیالوگ‌ها اشاره کرده و برخی نیز به بازپخش این سریال با چنین حجم از سانسور اعتراض کرده‌اند. مخاطبان معتقدند که این میزان سانسور باعث کاهش کیفیت روایت داستان و از بین رفتن جذابیت اثر شده است.

این درحالی است که همیشه و طبق روال معمول تلویزیون سریال‌های رضا عطاران با میزان نامشخصی سانسور روی آنتن فرستاده می‌شود. انگار ناظر پخش شبکه‌های مختلف استانداردهای خاصی برای خود دارند و طبق سلیقه خود به ممیزی مجموعه‌های تلویزیونی می‌پردازند اما این بار میزان حذفیات آنقدر زیاد است که علیرضا جعفرزاده، تدوینگر سریال «بزنگاه» از نحوه سانسور این سریال در صداوسیما گلایه کرده و نوشته است: «این حجم از سانسور واقعاً مسخره است. خب چرا پخش می‌کنید اصلاً؟»

تدوینگر «بزنگاه» سوال خوبی را طرح کرده است. نمی‌توان با یک بام و دو هوا به سراغ تولیدات تلویزیونی رفت و آنها را روی آنتن فرستاد، آن هم با میزان سانسوری که حتی برای تماشاگران تلویزیونی هم بی‌سابقه است و اعتراض و انتقاد آن را در پی داشته است. در واقع این حجم از ممیزی به خوبی نشان می‌دهد که مدیران تلویزیونی تکلیفشان با خودشان هم مشخص نیست و نمی‌دانند با تولیدات سابق خود چه رفتاری داشته باشند. «بزنگاه» یکی از پرفرودترین سریال‌های ساخته رضا عطاران است که در زمان پخش خود در سال ۱۳۸۷ با استقبال زیادی روبه‌رو شد. هرچند بخشی از جامعه در آن زمان هم این مجموعه را برتانیاید و به پخش آن در شب‌های رمضان اعتراض کرد و این اعتراضات ممیزی گسترده این مجموعه را در زمان فیلمبرداری به دنبال داشت.

در واقع ساخت «بزنگاه» تبدیل به خاطره تلخی برای رضا عطاران شد. آنقدر در زمان فیلمبرداری او را در تنگنا قرار دادند و هر قسمت از این مجموعه دچار ممیزی شد که عطاران از آن زمان به بعد عطای کار برای تلویزیون را به لقایش بخشید و با وجود اینکه مدیران در مقاطع مختلف از او برای همکاری دعوت کردند، اما حاضر به همکاری دوباره با رسانه ملی نشد. چراکه در زمان ساخت «بزنگاه» با رفتار عجیب و غریبی روبه‌رو شده بود که تا پیش از آن بی‌سابقه بود. به طور مثال ۲۷ شهریور ۱۳۸۷ از طرف شورای نظارت بر سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نامه‌ای به مدیریت این سازمان فرستاده شد که در آن به دلیل انتقادات شدید مردم و هنجارشکنی‌ها، این سریال توقیف شد. اگرچه روابط عمومی شبکه سه، ساعاتی بعد در اطلاعیه‌ای ذکر کرد که پخش این مجموعه ادامه خواهد داشت و متوقف نمی‌شود و تا قسمت آخر هم این مجموعه با ممیزی و به صورت کج‌دارومریز روی آنتن رفت اما همین‌ها باعث شد که عطاران پس از ساخت این مجموعه دیگر پشت سرش را نگاه نکند و با هیچ پیشنهادی هم با مدیران تلویزیونی کنار نیاید. با تمام این اوصاف معلوم نیست پس از نزدیک به ۲۰ سال، مدیران این دوره چطور تصمیم به بازپخش این سریال در شب‌های رمضان گرفتند. یا آنها آنقدر کم سن و سال‌اند که نمی‌دانند چه بر سر این مجموعه در زمان اولین پخش آن در ماه رمضان آمده یا اینکه تصور کردند، اگر



ممیزی‌های تازه صرف آن کنند، می‌توانند «بزنگاه» را به‌عنوان مجموعه‌ای مناسب‌تری پخش کرده و مردم را به خاطر پخش این مجموعه پای تلویزیون نباشند.

مشکل بزرگ اینجااست که این سریال از همان اولین دوره پخش هم دچار ممیزی شد و به طور کامل روی آنتن رفت. در دوره‌های بعد هم که مدیران شبکه‌های مختلف اقدام به پخش آن از تلویزیون کردند، هریک به سهم خود ممیزی‌های تازه‌ای تشار «بزنگاه» کردند که گاهی اوقات هم اعتراضاتی را به راه می‌انداخت اما این بار آتش آنقدر شور شده است که دیگر تدوینگر سریال را که از همان ابتدا هم در جریان جرح‌وتعذیل‌ها بوده را به اعتراض واداشته است.

عطاران به صورت مستقل ۵ سریال «کوچه اقاچقا»، «خانه به دوش»، «منهم گریخت»، «ترش و شیرین» و «بزنگاه» را برای تلویزیون کارگردانی کرده است. این مجموعه‌ها بارها از شبکه‌های تلویزیونی داخلی و خارجی پخش شده و مورد استقبال قرار گرفته است. سریال‌های عطاران از آن دست مجموعه‌های تلویزیونی هستند که همیشه درخواست برای پخش آنها وجود دارد و مدیران شبکه آی‌فیلم، تماشا و ... به طور متناوب این سریال‌ها را در کندانکتور پخش خود قرار می‌دهند. اما اینکه شاخص‌ترین این سریال‌ها هر بار با سلیقه‌ای تازه و ممیزی جدید روی آنتن فرستاده می‌شود، نشان از عدم استاندارد یگانه و یکدست در ممیزی در شبکه‌های مختلف دارد. گویا سلیقه مدیران تلویزیونی در طول زمان دچار تغییر شده و به مرور زمان سختگیرتر می‌شوند. وگرنه چه دلیل برای اعمال ممیزی‌های تازه و پرتعداد جدید برای سریالی که بارها از شبکه‌های مختلف پخش شده، وجود دارد؟

این شکل ممیزی نشان می‌دهد، انگار مدیران تلویزیون علاقه‌مند، هر بار تماشاگران را شگفت‌زده کرده و ورژن تازه‌ای از یک سریال را برای مخاطبان به نمایش بگذارند. اما پرسش مهم اینجااست که مدیرانی که آنقدر با سریالی مانند «بزنگاه» که در ماه رمضان ساخته و پخش شده، زاویه و مشکل دارند، به چه دلیل آن را برای پخش در این ماه انتخاب کرده و روی آنتن می‌فرستند. آنها یا باید بپذیرند که عطاران در سال‌هایی نه‌چندان دور پرمخاطب‌ترین سریال‌ها را برای تلویزیون ساخته یا اینکه سریال‌های او را فاقد کیفیت و سطح پایین بدانند. اگر تکلیفشان

را با خودشان مشخص کنند و به نتیجه‌ای قطعی درباره رفتار با محصولات این چنینی تلویزیونی برسند، آن وقت یا اصلاً چنین مجموعه‌هایی را روی آنتن نمی‌فرستند یا اینکه اگر دست به پخش آنها بزنند، چنین به ممیزی دوباره آنها اقدام نخواهند کرد.

مشکل بزرگ چنین مدیرانی که در این دوره هم تعدادشان نسبت به دوره‌های قبل بیشتر شده همین است که بلا تکلیفند و نمی‌دانند چه رفتاری باید با مجموعه‌های پرمخاطب سال‌های قبل تلویزیون داشته باشند. آنها، نه می‌توانند از پخش این سریال‌ها چشم‌پوشند و نه می‌توانند از استانداردهای ساختگی و تازه خود دست بردارند. نتیجه آن همین می‌شود که آنقدر حجم ممیزی سریالی مانند «بزنگاه» را بالا می‌برند که تماشاگران که بارها به تماشای آن نشستند و دوباره هم قصد تماشای آن را کردند را آزرده می‌کنند. تماشاگرانی متوجه میزان سانسور بالای این نوبت پخش می‌شود که بارها به تماشای «بزنگاه» نشست باشند، سکانس‌های این سریال‌ها را از حفظ باشد و متوجه سانسور بخش‌های مهمی از آن بشود. تازه این سانسور علاوه بر جرح‌وتعذیل‌هایی است که تدوین سریال را به هم می‌ریزد و باعث پرش‌های تصویری می‌شود که تماشاگر عادی هم متوجه آن خواهد شد.

احتمالاً اگر «بزنگاه» در زمان دیگری روی آنتن می‌رفت، آنقدر با سختگیری مواجه نمی‌شد. این مجموعه چه در اولین دوره پخشش و چه حالا که با ممیزی‌های تازه و اعصاب‌خردکن پخش می‌شود، دچار بدشانسی بزرگی شد. چراکه اگر در ماهی غیر از رمضان روی آنتن می‌رفت، نه آنقدر مورد ممیزی قرار می‌گرفت و نه آنقدر کارگردانش دچار سختی و عذاب می‌شد که همکاری دوباره با این رسانه را به هیچ‌وجه نپذیرد. تلویزیون پس از ساخت این مجموعه یکی از بهترین سریال‌سازان خود را از دست داد و عطاران که خاستگاهش از این رسانه بود را از همکاری با آن بشیمان کرد.

حالا رسانه ملی باقی‌مانده با سریال‌های رمضان‌های هیچ اشتیاقی برای پیگیری در مخاطب ایجاد نمی‌کند و دیگر نه خیابان‌ها برای تماشای این مجموعه‌ها خلوت می‌شوند و نه این سریال‌ها آنقدر پرمخاطب هستند که بعد از ۱۶ سال تلویزیون دوباره اقدام به پخش آنها کند و مخاطب به پای این مجموعه‌ها بنشینند و متوجه ممیزی بالای آن شود.



سال هشتم شماره ۱۹۳۰
سه‌شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۳

توسعه

تحلیل تحولات اقتصادی

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

کمی ناقسمتی بهتر

در بازار سهام چه گذشت؟

مختاب شهریاری

گروه اقتصاد

بورس تهران در سومین روز هفته معاملات متعادل‌تری را نسبت دیروز پشت سر گذاشت. به‌گونه‌ای که هم ارزش معاملات خرد رشد محسوسی و داشت هم شاخص کل ۲۶۰۰ واحدی (کمتر از ۰/۸ درصد) افزایش داشته و در نهایت به سطح ۲ میلیون و ۷۲۴ هزار واحدی رسید. اما شاخص هم‌وزن و شاخص کل فرابورس همچنان به روند کاهشی خودشان ادامه داده‌اند و به ترتیب با افت ۰/۴۸ و ۰/۸۶ درصدی مواجه شدند. شاخص هم‌وزن از کف حمایتی ۸۰۰ هزار واحدی گذر کرد و به تراز ۷۹۹ هزار واحد رسید. آخرین باری که این نماگر به زیر ۸۰۰ هزار واحد رسیده بود ۶۱ روز پیش در ۱۸ آذر ماه بود. شاخص کل فرابورس هم در سطح ۲۴ هزار و ۵۵۲ واحد ثبت شد.

درصد نمادهایی که در بازار سرمایه امروز مثبت معامله شده‌اند نسبت به روز گذشته افزایش داشته و از ۷ درصد به ۲۴ درصد رشد داشت. ازجمله نمادهایی که بیشترین تاثیر مثبت را بر شاخص کل داشتند، فملی و وبملت بودند. از سوی دیگر شکاف بین صف خرید و صف فروش در مقایسه با روز قبل اندکی کمتر شد.

معاملات بورس تهران در روز دوشنبه با واگرایی میان رشد اندک شاخص کل و افت شاخص هم‌وزن پیگیری شد. شاخص کل که در نیمه نخست معاملات تا سطح ۲ میلیون و ۷۴۰ هزار واحدی نیز پیشروی کرده بود؛ در ادامه بازار با افزایش عرضه‌ها در کلیت بازار ۱۶ هزار واحد از سقف روزانه عقب‌نشینی کرد و نهایتاً در سطح ۲ میلیون و ۷۲۴ هزار واحدی کار خود را به اتمام رساند.

رشد ۰/۸ درصدی در شاخص کل در حالی رقم خورد که در معاملات امروز، شاخص هم‌وزن افت ۰/۴۸ درصدی را تجربه کرد و بدین ترتیب نماگر مذکور کانال ۸۰۰ هزار واحدی را از دست داد. شاخص کل فرابورس نیز کاهش ۰/۵ درصدی را تجربه کرد.

در جریان معاملات امروز بورس تهران، ارزش معاملات بازار سهام رقم ۸ هزار و ۲۳۴ میلیارد تومان را ثبت کرد و ۲۸۲ میلیارد تومان پول حقیقی نیز از گردونه معاملات خارج شد. در پایان بازار نیز ۶۹ درصد از نمادها در محدوده سرخ به کار خود پایان دادند و ۳۱ درصد دیگر نمادها نیز سبزپوش بودند. با حمایت‌هایی که در پایان معاملات امروز صورت گرفت؛ قیمت برخی از نمادهای شاخص‌ساز تا محدوده سقف قیمتی روزانه هدایت شد.

انتقادی که از سوی فعالان بازار سهام به این قضیه وجود داشت این است که بازارساز ابتدا و انتهای بازار اقدام به ایجاد صف خرید تصنعی در برخی از نمادهای شاخص بازار می‌کند تا اوضاع معاملاتی بازار را خوب نشان دهد؛ درحالی که این موضوع هیچ اثر مثبتی بر پرتفوی سهامداران ندارد.

با وجود سرخپوش بودن ۶۹ درصد از نمادهای بازار در پایان معاملات امروز، شاخص کل در دامنه مثبت کار خود را به اتمام رساند و این یکی از بهترین آمارها برای اثبات این نکته است که شاخص کل آینه‌ای از پرتفوی سهامداران نیست و تغییرات این شاخص را نباید به عنوان مبنایی برای درک وضعیت سبد سهامداران خرد قرار داد.

طبق اعلام بانک مرکزی با توجه به شرایط اقتصادی پایان سال و بازار سهام، اجرای موضوع انتشار اوراق گواهی طلای بانک مرکزی به سال آینده موکول شد.

پیش از این در ۲۳ بهمن ماه بانک مرکزی به استنناد جزء سوم بند ب ماده (۴) قانون بانک مرکزی که «طراحی و انتشار انواع اوراق مالی و خریدوفروش آنها و سایر اوراق بهادار به منظور مدیریت (کنترل) حجم نقدینگی و اعتبارات» را جزو اختیارات این بانک تعریف کرده است از برنامه خود برای انتشار گواهی سکه خبر داد.

این خبر در شرایطی اعلام شد که به دلیل نوسانات ارزی و جهش قیمت طلا در بازارهای جهانی، بهای سکه در بازار آزاد رکوردهای جدیدی ثبت کرده بود و همزمان نیز بانک مرکزی به منظور مدیریت بازار، طرح پیش‌فروش سکه را در دستور کار خود قرار داده بود.

در اطلاعیه بانک مرکزی هدف از انتشار گواهی سکه را ایجاد امکان مدیریت ریسک و اطمینان‌بخشی در جامعه عنوان و تاکید کرده بود که در این طرح، دارندگان گواهی سکه امکان فروش گواهی خود را در هر زمان تا تاریخ سررسید خواهند داشت.

سهم ساختمان از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در پاییز امسال به ۳۸.۵ درصد رسیده و در سوی دیگر سهم ماشین‌آلات قرار داشته که سهمی معادل ۶۱.۵ درصد را به خود اختصاص داده است. مقایسه نشان می‌دهد، ارقام رخ داده در پاییز ۱۴۰۳ نسبت به ۱۸ سال گذشته رکورد بوده است. به طوری که سهم مسکن از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به کمترین سطح و سهم ماشین‌آلات به بیشترین سطح از سال ۱۳۸۶ رسیده است.

ادامه تیتریک

دور زدن مقامات

چنانکه در چند روز گذشته بسیاری از رسانه‌ها نوشتند، رهبر انقلاب در بخشی از بیانات خود به گلایه آقای رئیسی اشاره کردند که برخی از شرکت‌های بزرگ دولتی ارز صادراتی خود را به کشور برنمی‌گردانند لذا ایشان برای جبران این تخلف می‌خواهد آنها را وادار به اجرای پروژه‌های بزرگ آبی، پالایشگاهی و نیروگاهی در مناطقی از کشور کند. این ایده مورد تایید قرار می‌گیرد و رهبری چند ماه بعد هم پیگیر کیفیت اجرای آن می‌شوند و مرحوم رئیسی هم گزارشی از اقدامات آن شرکت‌ها به ایشان ارائه می‌کند که از نظر رهبری، گزارشی مهمل و پوچ ارزیابی می‌شود.

این طرح چیست و اقتصاد سیاسی آن چه پیامی دارد؟

طرح وادار کردن شرکت‌های بزرگ دولتی به اجرای پروژه‌های عمرانی عام‌المنفعه، طرحی است که نمونه آن در استان کرمان اجرا شده و موفقیت‌ها و شکست‌هایی هم داشته است. بر اساس این طرح بنگاه‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی موظف می‌شوند در مناطق محروم، فعالیت عمرانی داشته باشند. مثلاً راه بسازند یا مدرسه احداث کنند یا هزینه ساخت بیمارستان را متقبل شوند. به این ترتیب شرکت‌هایی مثل گل گهر و مس سرچشمه پذیرفته‌اند که در مناطق محروم کرمان به فعالیت‌های عام‌المنفعه بپردازند و کارهایی هم کرده‌اند. اما آنچه در دولت آقای رئیسی اجرا شده از یک جهت شباهتی با طرح کرمان ندارد؛ اینکه شرکت‌های دولتی، که اغلب در جایگاه صادرکننده کالا و خدمات فعالیت می‌کنند، ارز حاصل از صادرات را به کشور بازمی‌گردانند یا آن‌طور که بانک مرکزی حکم داده به سامانه‌های تعیین شده، واریز نمی‌کنند. این عدم تمکین نه تنها تخلفی آشکار از قوانین و مقررات ارزی به حساب می‌آید بلکه به نوعی بی‌اعتنایی و دهن‌کجی به قواعد تنظیم شده نظام اقتصادی کشور تلقی می‌شود. این رفتار همچنین نشان‌دهنده ضعف در نظارت و اجرای سیاست‌های ارزی در سطح بنگاه‌های دولتی است که به طور تاریخی از قدرت و نفوذ قابل‌توجهی در ساختار اقتصاد ایران برخوردار بوده‌اند. عدم بازگشت ارز توسط این شرکت‌ها نه تنها منابع ارزی کشور را تحت فشار قرار می‌دهد بلکه به تشدید ناترازی‌های اقتصادی ازجمله کاهش عرضه ارز در بازار و افزایش نرخ ارز دامن می‌زند.

در مقابل، بانک مرکزی که وظیفه تنظیم و مدیریت بازار ارز را بر عهده دارد به نظر می‌رسد، توان و اقتدار کافی برای مقابله با این تخلفات در سطح شرکت‌های دولتی را ندارد. به جای آن، این نهاد فشار خود را عمدتاً بر صادرکنندگان بخش خصوصی متمرکز کرده و آن‌ها را تحت فشار مضاعف قرار داده است تا ارز حاصل از صادرات خود را به کشور بازگردانند. این تبعیض در اعمال سیاست‌ها، شکافی آشکار میان بخش دولتی و خصوصی ایجاد کرده و به نابرابری در اجرای قوانین منجر شده است. صادرکنندگان بخش خصوصی که اغلب با محدودیت‌های بیشتری در دسترسی به منابع و حمایت‌های دولتی روبرو هستند، ناچارند بار سنگین‌تر الزامات ارزی را تحمل کنند، درحالی که بنگاه‌های دولتی از نوعی مصونیت عملی برخوردارند.

این وضعیت، نمونه‌ای بارز از تأثیر تعارض نرم در اقتصاد ایران است که در ادامه توضیح داده می‌شود. «تعارض نرم» اصطلاحی است که مسعود نیلی، اقتصاددان برجسته ایرانی، در تحلیل‌های خود به کار برده و به‌طور خاص در چارچوب اقتصاد سیاسی ایران از آن استفاده کرده است. این مفهوم به سطحی از تنش یا تعارض کنترل شده در روابط بین‌المللی یا داخلی اشاره دارد که برای برخی

از ابتدای فصل پاییز امسال تا پایان آن، سطح عمومی قیمت‌ها ۷.۷ درصد افزایش یافته‌اند. همچنین در این دوره نرخ بیکاری برابر با ۷.۲ درصد بوده است. در مقایسه با وضعیت استان‌ها، ترکیب نرخ تورم و بیکاری کل کشور در شرایط مطلوبی بوده است. سه استان مازندران، خراسان جنوبی و تهران به لحاظ نرخ تورم و بیکاری در پاییز امسال در مقایسه با سایر نقاط کشور در وضعیت مطلوب‌تری به سر می‌پرند.

افزایش سطح عمومی قیمت‌ها

استان مازندران در فصل پاییز تورم ۶.۲ درصدی و نرخ بیکاری معادل ۴.۷ درصد را تجربه کرده که باعث شده این استان در مطلوب‌ترین وضعیت قرار گیرد. پس از آن، استان خراسان‌جنوبی قرار دارد که نرخ تورم و بیکاری آن به ترتیب ۶.۵ و ۴.۷ درصد بوده است. استان تهران نیز در فصل پاییز از منظر این دو شاخص در شرایط مناسبی بوده چراکه تورم فصلی آن ۶.۶ درصد و نرخ بیکاری آن از همه استان‌ها کمتر و معادل ۴.۵ درصد بوده است.

سیاستمدار باید به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری کند که بنگاه آزادانه و به درستی کار کند تا چرخ‌های اقتصادی بچرخد اما در کشور ما، اولی، دومی را گروگان گرفته است. فرقی نمی‌کند بنگاه چه اندازه‌ای داشته باشد و کجای این مرزوبوم برپا شده باشد، هر کجا چرخ بچرخد و نقاله‌ای کار کند، سیاستمدار خود را محق می‌داند که از منافع آن سهمی داشته باشد. معمولاً حجم فساد سیاستمداران بسیار کمتر از فساد سیاست‌گذاران است اما سروصدای اولی در جامعه بیشتر شنیده می‌شود. آلودگی دومی هم که بسیار بزرگ‌تر است، واکنش مردم را برنمی‌انگیزد. اگر ریالی توسط سیاستمداران جابه‌جا شود مردم به شدت واکنش نشان می‌دهند و خواستار مجازات افراد مرتبط هستند اما اگر به واسطه سیاست‌گذاری غلط هزاران میلیارد تومان از بین برود، هیچ‌کس واکنش نشان نمی‌دهد.

احمد مشفق، استاد دانشگاه بیل در مقاله‌ای نشان داده که در کشورهای درحال توسعه، سیاستمداران صاحب قدرت بیشتر علاقه‌مند به محافظت از منافع تجاری افراد خاص (متصل) به خود هستند و نه صنایع به طور کلی. به همین دلیل انواع مجوزها را بر اساس روابط شخصی و دوستانه با صاحبان بنگاه‌ها اختصاص می‌دهند. آقای مشفق این تحقیق را درباره بنگاه‌های اندونزی و در دوران حضور سوهارنو در قدرت انجام داده اما به نظر می‌رسد، نتایج آن به اقتصادهایی نظیر اقتصاد ایران نیز قابل تعمیم است. اقتصاد ما اقتصادی مبتنی بر قواعد تیول‌داری است. در گذشته گستره زمین در تیول افسرد قرار می‌گرفت و امروز بنگاه در تیول سیاستمداران قرار دارد. شما بنگاهی را می‌بینید که تعدادی کارگر و مقداری ماشین‌آلات و زمین دارد اما نمی‌بینید که پشت این بنگاه بدهستان‌های سیاسی زیادی در جریان است. از یک‌سو، بنگاه اگر مورد حمایت سیاستمداری قرار نگیرد، دریده می‌شود بنابراین برای ادامه حیات خود نیاز به پدرخوانده دارد و سیاستمداران قدرتمند و ذی‌نفوذ، پدرخواندگان بنگاه هستند.

وقتی سیاستمدار پدرخوانده بنگاه شود، همه روابطش را صرف گرفتن رانت بیشتر برای بنگاه می‌کند. این اتفاق زمینه‌ساز شکل‌گیری انحصار می‌شود. از آنجا که در اقتصاد ایران هر بنگاهی بتواند چانه‌زنی کرده و به دولت فشار بیشتری وارد کند، امتیاز بیشتری می‌گیرد، بنگاه‌های دیگر هم در چرخه

رانت گرفتار می‌شوند و به استخدام سیاستمداران رو می‌آورند چون اگر چنین کاری نکنند، قادر به رقابت با بنگاه‌های تحت مالکیت سیاستمداران نخواهند بود. به این ترتیب بنگاه‌های ما در تله فساد و زدوبند گرفتار می‌شوند و چون قدرت سیاسی را هم پشت سر خود دارند، مدافع انحصار می‌شوند. از آن طرف، سیاست‌گذار در کشور ما به‌طور مستمر سیاست‌های رانت‌زا خلق می‌کند. جز این مواردی مثل تحریم و سهمیه‌بندی ارزی یا تنظیم غیرمنطقی تعرفه باعث گسترش روزافزون اقتصاد غیررسمی می‌شود و به مناسبات ناسالم دامن می‌زند. به این ترتیب رقابتی که باید حول‌وحوش تولید و تجارت شکل می‌گرفت برای دریافت رانت اطلاعاتی و انواع سهمیه ایجاد شده است. به همین دلیل متأسفانه در کشور ما بنگاه سالم نمی‌تواند کار کند و تعداد بنگاه‌های مستقل بسیار کم است. هرچه بنگاه بزرگ‌تر باشد، برای بقا نیاز به مراقبت دارد. چه کسانی از کبان بنگاه مراقبت می‌کنند؟ سیاستمداران سهامدار بنگاه هستند یا بنگاه سیاستمداران را به خدمت می‌گیرد تا حمایتش کنند. منظوم بنگاه کوچک و متوسط نیست، بنگاه‌های بزرگ شرکای پنهان زیادی دارند که در افکار عمومی، نامی از آنها برده نمی‌شود اما از فروش و سود بنگاه سهم برمی‌دارند.

گروه‌های ذی‌نفع، به‌ویژه بنگاه‌های انحصاری دولتی و شبه‌دولتی، بهینه‌تلقی می‌شود. موضوع از این قرار است که شرکت‌های دولتی و خصوصی، با بهر‌مندی از انحصار و نفوذ خود، نه تنها از بازگشت ارز طفره می‌روند بلکه با حفظ این تعارض کنترل شده، منافع خود را در برابر فشارهای خارجی و داخلی تضمین می‌کنند. این در حالی است که بخش خصوصی به عنوان بخشی که می‌تواند پویایی بیشتری به اقتصاد تزریق کند تحت فشار سیاست‌های نابرابر تضعیف می‌شود. نتیجه این روند، تداوم ناکارآمدی در مدیریت منابع ارزی، افزایش بی‌اعتمادی به نهاد‌های سیاست‌گذار و تعمیق شکاف میان بخش‌های مختلف اقتصاد است. به طور کلی این دوگانگی در رفتار شرکت‌های دولتی و فشار بر بخش خصوصی، ضرورت بازنگری در سیاست‌های ارزی و تقویت سازوکارهای نظارتی را بیش‌ازپیش نمایان می‌کند. بدون اصلاح این ساختارها و رفع تبعیض‌ها، اقتصاد ایران همچنان درگیر چرخه‌ای از ناکارآمدی و تعارض‌های نرم خواهد ماند که هزینه آن را در نهایت مردم و نظام اقتصادی کلان کشور پرداخت می‌کند.

انحصار چگونه به وجود آمد؟



دولت در اقتصاد ما فعال مایشاء است و در همه امور دخالت می‌کند و چرخه همه امورات را با منافع سیاسی خود همگر می‌کند اما وقتی فاجعه رخ می‌دهد، سمت مدعیان می‌ایستد و چهره قهرمان ضد فساد می‌گیرد. از آنجا که در اقتصاد ما مناسبات تیول‌داری حاکم است، سیاستمداران بنگاه‌ها را در تیول خود می‌دانند بنابراین به‌گونه‌ای برخورد می‌کنند که در مدت‌زمان حضور در اطراف بنگاه، شیره جان بنگاه را می‌مکند. تا می‌توانند آدم‌های خود را به بنگاه تحمیل می‌کنند و از آن طرف هم واردات کالا و تکنولوژی بنگاه را در کنترل می‌گیرند و هم بر بازارش احاطه پیدا می‌کنند تا منافعی را تأمین کند در نتیجه بنگاه از درون تهی می‌شود. اقتصاددانان بر این باورند که بنگاه‌های دولتی در ایران به شدت درگیر مناسبات مفسده‌آمیز شده‌اند. آلودگی بنگاه‌های ایرانی دو دلیل عمده دارد؛ یا ریشه سیاسی دارد یا ریشه سیاست‌گذاری. باعث‌وبانی اولی، سیاستمداران تیول‌دار هستند که بنگاه‌ها را حیط‌خلوت خود می‌دانند و باعث‌وبانی دومی، سیاست‌گذاریانی هستند که یا آگاهانه در خدمت سیاستمداران آلوده قرار دارند یا نا آگاهانه و به غلط سیاست‌گذاری می‌کنند. در همه جای دنیا ارتباط میان سیاستمدار و بنگاه قطع شده اما مأموریت اولی (سیاستمدار) رفع موانع دومی (بنگاه) است. یعنی



چهارشنبه‌سوری مرگ

بابک یکتاپرست، سخنگوی سازمان اورژانس کشور گفت: در حوادث چهارشنبه‌سوری امسال، تاکنون ۱۸۶ نفر مصدوم و ۳ نفر جان باخته‌اند. از این تعداد، ۲۲ نفر دچار قطع عضو، ۳۰ نفر آسیب چشمی و ۹۱ نفر دچار سوختگی شده‌اند. آذربایجان شرقی با ۵۱ مصدوم و تهران با ۳۰ مصدوم در صدر قرار دارند. میانگین سنی مصدومان ۱۹ سال بوده و ۸۵ درصد آنها تولیدکننده یا استفاده‌کننده مواد محترقه بوده‌اند.



غیربازدارنده

سردار رادان، فرمانده انتظامی کشور با انتقاد از هزینه پایین جرائم رانندگی در ایران، آن را غیربازدارنده دانست. وی با اشاره به ۶۹۵ هزار کیلومتر جاده، ۵۳ میلیون راننده و ۴۱ میلیون وسیله نقلیه، بر لزوم افزایش هماهنگی دستگاه‌های مرتبط برای کاهش تصادفات تأکید کرد. ۱۰ درصد رانندگان تخلفات حادثه‌ساز مرتکب می‌شوند و جرائم آنها باید افزایش یابد تا از تحمیل خطر به سایر رانندگان جلوگیری شود.



ریاست علی منتظری

علی منتظری در جلسه هیات امنای جهاد دانشگاهی به‌عنوان رئیس جدید این نهاد انتخاب و برای تأیید نهایی به شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی شد. وی سابقه سه دوره ریاست جهاد دانشگاهی و عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی را دارد. منتظری دارای دکترای سلامت همگانی با گرایش اپیدمیولوژی از دانشگاه گلاسگو است و از دانشمندان ایرانی حاضر در فهرست یک درصد برتر جهان است.

بحران تلفات جاده‌ای در ایران

پیوستن رئیس‌جمهور به پوشش «نه به تصادف»

در روزهای پایانی سال و در آستانه آغاز سفرهای نوروزی، رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان با پیوستن به پوشش «نه به تصادف»، بر لزوم کاهش تلفات جاده‌ای تأکید کرد. او در نشست فرماندهان پلیس راهور اظهار داشت: «آموزش یکی از متغیرهای اصلی برای کاهش تصادفات رانندگی است. باید در پیلبوردها و تابلوها آموزش مراعات در رانندگی داده شود». وی همچنین با تأکید بر استفاده از فناوری‌های نوین نظارتی گفت: «در کشورهای پیشرفته، نیروهای امنیتی و انتظامی کمتر در خیابان دیده می‌شوند، اما کنترل‌ها دقیق‌تر انجام می‌شود. ما نیز باید از تکنولوژی برای کاهش خطرات و بهبود ایمنی رانندگان و نیروهای پلیس استفاده کنیم». او در ادامه با اشاره به نقش فرهنگ‌سازی در کاهش حوادث گفت: «نه به تصادف باید به یک فرهنگ تبدیل شود. هر روز باید از طریق ترابریون‌های مختلف تکرار کنیم که رفتار پرخطر در رانندگی، جان خود و دیگران را تهدید می‌کند». این اقدام درحالی صورت گرفت که بیش از ۲۱۰ روزنامه‌نگار با ارسال نامه‌ای سرگشاده، خواستار توجه جدی دولت به بحران تصادفات رانندگی شده بودند. این نامه، با یادآوری حادثه اتوبوس خبرنگاران محیط زیست در تیرماه ۱۴۰۰ که به جان‌باختن مهشاد کریمی و ریحانه یاسینی منجر شد، تأکید داشت که «ایمنی حمل‌ونقل عمومی همچنان یک مطالبه بی‌پاسخ مانده است».

در این نامه همچنین به حادثه‌ی اتوبوس سربازمعلمان در یزد و اتوبوس فرزندگان کرمان اشاره شد که در آنها مجموعاً بیش از ۱۰ نفر جان خود را از دست دادند. روزنامه‌نگاران هشدار دادند که «فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل عمومی و بی‌توجهی به استانداردهای ایمنی، سالانه هزاران نفر را قربانی می‌کند».

چندی پیش محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت با اشاره به این موضوع، بر لزوم توجه جدی به عوامل موثر در بروز این حوادث تأکید کرد. او با ابراز نگرانی از افزایش تصادفات در کشور گفت: «هیچ کدام از ما نباید بی‌تفاوت باشیم. آمار مرگ‌ومیر تصادفات درحال افزایش است و این شیب صعودی بسیار مهم است». وی تأکید کرد که باید اقدامات اساسی برای کاهش این آمار انجام شود».

طبق اعلام وزیر بهداشت، بیش از ۵۰ درصد از مرگ‌ومیرهای ناشی از تصادفات به خطای انسانی مرتبط است. وی همچنین به نقش موتورسواران در تصادفات درون‌شهری اشاره کرد و افزود: «در مرگ‌ومیر درون‌شهری، بیشترین سهم مربوط به موتورسواران بدون کلاه ایمنی است».

بحران مرگ در جاده‌ها: آماری که تکان‌دهنده است

ایران یکی از مرگبارترین جاده‌های جهان را دارد. در سال ۱۴۰۲ بیش از ۲۰ هزار نفر در تصادفات جان خود را از دست دادند و هزاران نفر دیگر مجروح یا دچار معلولیت دائمی شدند. این میزان مرگ‌ومیر، ایران را در رده کشورهای دارای بیشترین آمار مرگ ناشی از تصادفات رانندگی قرار داده است.

مقایسه آمارها نشان می‌دهد که میزان تلفات جاده‌ای در ایران ۲۵ برابر ژاپن، ۲ برابر ترکیه و ۱۰۰ برابر برخی کشورهای توسعه‌یافته است. به گفته رئیس پلیس راهور: «طبق آخرین آمار پزشکی قانونی، بیش از ۱۶ هزار نفر تا پایان دی‌ماه ۱۴۰۲ در تصادفات جان باخته‌اند. اگرچه این رقم نسبت به سال گذشته ۴.۵ درصد کاهش یافته، اما همچنان نگران‌کننده است». به گزارش وزارت بهداشت ۸۳ درصد از فوتی‌های تصادفات زیر ۵۰ سال سن دارند و در بین قربانیان، سهم عابران پیاده



و موتورسیکلت‌سواران چشمگیر است. «۲۰ درصد قربانیان عابران پیاده هستند، ۲۲ درصد موتورسیکلت‌سواران، ۲۵ درصد رانندگان و ۳۳ درصد سرنشینان خودروها».

معاون وزیر بهداشت با اشاره به هزینه‌های اقتصادی بالای تصادفات گفت: «هر فوتی تصادفی برای کشور بیش از ۲۰ میلیارد تومان هزینه دارد. بسیاری از قربانیان سرپرست خانواده هستند و این مساله نه تنها بعد انسانی، بلکه تبعات اقتصادی جبران‌ناپذیری دارد».

وی افزود: «۵۲ درصد از عوامل موثر بر تصادفات، خطای انسانی است، اما نباید فراموش کنیم که ۴۸ درصد از تصادفات ناشی از مشکلات جاده‌ای و کیفیت پایین خودروهاست. تا زمانی که این مشکلات حل نشود، روند کاهش تصادفات دشوار خواهد بود».

در یک سال اخیر، حوادث مرگباری در جاده‌های ایران رخ داده است که ازجمله مهم‌ترین آنها می‌توان به واژگونی اتوبوس حامل دانش‌آموزان کرمانی و تیم واترپولی دختران ارومیه‌ای اشاره کرد. در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۴۰۳، اتوبوس حامل ۳۸ دانش‌آموز دختر مدرسه فرزندگان کرمان در محور ماهان به کرمان واژگون شد. این حادثه منجر به جان‌باختن ۶ نفر، شامل ۴ دانش‌آموز، مربی مدرسه و فرزند ۹ساله‌اش شد و ۲۷ نفر دیگر نیز مصدوم شدند. بررسی‌ها نشان داد که اتوبوس مدل ولوو B۱۲ سال ۱۳۸۲ بوده و دارای نقص فنی مستمر، ازجمله عدم عملکرد سیستم ترمز در یکی از چرخ‌های عقب، بوده است. همچنین، مشخص شد که پروتکل‌های مربوط به اردوهای دانش‌آموزی به طور کامل رعایت نشده و قرارداد با شرکت حمل‌ونقل معتبر منعقد نشده بود.

تتها یک روز پس از حادثه کرمان در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۴۰۳ اتوبوس حامل اعضای تیم واترپولی دختران ارومیه‌ای در محور دلیجان به اصفهان دچار واژگونی شد. در این حادثه ۲ نفر از دختران ورزشکار جان باختند و بیش از ۲۰ نفر دیگر مصدوم شدند.

در مرداد ۱۴۰۳ یک اتوبوس حامل زائران پاکستانی که به مقصد کربلا در حرکت بود، در استان یزد واژگون شد. در این حادثه ۲۸ نفر جان باختند و ۲۳ نفر دیگر مجروح شدند. علت حادثه نقص فنی در سیستم ترمز و خطای راننده اعلام شد. در آذر ۱۴۰۳ یک اتوبوس بین‌شهری در منطقه یاعلم استان لرستان به دره سقوط کرد که منجر به کشته شدن ۹ نفر و مجروح شدن ۱۴ نفر دیگر شد. بیشتر مسافران این اتوبوس سرباز بودند. علت حادثه سرعت غیرمجاز و از دست دادن کنترل وسیله نقلیه توسط راننده اعلام شد.

نیازمند اصلاح

بیش از ۳۰ درصد از فوتی‌های تصادفات در نقاط حادثه‌خیز جاده‌ای رخ می‌دهند. همچنین بسیاری از جاده‌های کشور فاقد علائم هشداردهنده کافی، نورپردازی مناسب و دوربین‌های کنترل سرعت هستند. احداث و نگهداری جاده‌ها به دلیل تحریم‌ها و کمبود منابع مالی، به درستی انجام نشده و برخی جاده‌ها برای تردد ایمن مناسب نیستند. وزیر راه و شهرسازی اخیراً اعلام کرده است که بیش از ۷۰ درصد جاده‌های کشور نیازمند بازسازی اساسی هستند.

خودروهای غیراستاندارد؛ تابوت‌هایی بر چهار چرخ

بسیاری از خودروهای داخلی فاقد سیستم ترمز ABS، کنترل پایداری الکترونیکی (ESP) و ایربگ کافی هستند. طبق گزارش‌های رسمی، حداقل ۶۰ درصد خودروهای تولید داخل، استانداردهای ایمنی بین‌المللی را ندارند. به گفته یکی از کارشناسان صنعت خودرو: «خودروهای داخلی حتی در تصادف با سرعت پایین، دچار تخریب شدید می‌شوند». تحریم‌ها و انحصار در خودروسازی ایران، مانع ورود خودروهای ایمن‌تر و فناوری‌های نوین به صنعت خودروسازی شده است. نهادهای نظارتی بارها بر ضرورت افزایش کیفیت ساخت خودروهای داخلی تأکید کرده‌اند، اما اقدامات جدی در این زمینه انجام نشده است.

فرهنگ رانندگی نامناسب؛ یک بحران اجتماعی

عدم رعایت قوانین رانندگی، سبقت‌های غیرمجاز و بی‌توجهی به مقررات از مشکلات اساسی فرهنگ رانندگی در ایران است. به گفته پلیس راهور: «رانندگی پرخطر در ایران نوعی هنجارشکنی اجتماعی شده است و این مساله نیازمند برخورد جدی‌تر است».

عدم آموزش رانندگی ایمن در مدارس و نبود برنامه‌های آموزشی گسترده در رسانه‌ها، باعث شده است که بسیاری از رانندگان با اصول ایمنی آشنا نباشند. پویش «نه به تصادف»، اگرچه می‌تواند آگاهی عمومی را افزایش دهد، اما بدون اقدامات عملی، تنها یک نمایش رسانه‌ای خواهد بود. ایران سال‌هاست که شاهد فاجعه‌های جاده‌ای است و تنها اجرای سختگیرانه قوانین، نظارت بر تولید خودرو، بهبود زیرساخت‌های جاده‌ای و فرهنگ‌سازی رانندگی ایمن می‌تواند به این بحران پایان دهد. آیا این بار دولت و نهادهای مسئول، به جای شعار، اقدامی عملی خواهند کرد؟ یا همچنان باید شاهد «مرگ خاموش» در جاده‌های کشور باشیم؟

گزارش شهر

بساط معیشت در پیاده‌روها

چرا دستفروشی در ایران تبدیل به شمشیر دو لبه شده است

در روزهای پایانی سال و با آغاز ماه رمضان، خیابان‌های ایران صحنه‌ای پررنگاپو از حضور گسترده دستفروشان شده‌اند؛ پدیده‌ای که زمانی غیررسمی محسوب می‌شد اما اکنون به واسطه فشارهای اقتصادی، نرخ بالای بیکاری و فقدان فرصت‌های شغلی پایدار، به یکی از مهم‌ترین مظاهر معیشت شهری تبدیل شده است. اگر روزگاری مقامات و مراکز آماری بر سر جایگاه دستفروشان در نظام اشتغال کشور بحث می‌کردند، امروز شهرداری‌ها نیز این شغل را به رسمیت شناخته و در برخی مناطق، اقدام به سازماندهی آن کرده‌اند. براساس آمارهای غیررسمی منتشرشده در پایان سال ۱۴۰۲ تنها در تهران نزدیک به ۳۰ هزار نفر به دلیل تعطیلی کارخانه‌ها و کساد بازارهای رسمی، ناچار به روی آوردن به دستفروشی شده‌اند. این آمار در سایر کلانشهرها نیز روندی افزایشی دارد. بسیاری از این افراد، نه شغل جایگزینی دارند و نه از مزایای بیمه و حمایت‌های اجتماعی بهره‌مندند. اگرچه براساس تعاریف وزارت اقتصاد، دستفروشی در زمره کسب‌وکارهای رسمی قرار نمی‌گیرد، اما برخی مقام‌های دولتی و وزارت رفاه، اشتغال در این حوزه را، حتی برای چند ساعت در روز، نوعی شغل به حساب می‌آورند. این درحالی است که اصناف و کسبه رسمی، به‌ویژه در صنف پوشاک، بارها نسبت به افزایش فعالیت دستفروشان در معابر عمومی اعتراض کرده‌اند و آن را عاملی برای رکود بیشتر بازارهای رسمی دانسته‌اند. یکی از جنبه‌های کمتر مورد توجه درآمدزایی شهرداری‌ها از این پدیده است. به گفته برخی مقام‌های شهری، دریافت مالیات غیرمستقیم و عوارض از دستفروشان و سازمان‌دهندگان آنها، به‌ویژه در کلانشهرها، درآمد قابل توجهی را نصیب شهرداری‌ها می‌کند. در نتیجه، رویکرد برخی نهادهای، نه حذف این مشاغل، بلکه ساماندهی آنها از طریق ایجاد بازارهای روز و فصلی است. برای نمونه، شهرداری تهران اخیراً اقدام به ایجاد بازارهای موقت برای فروشندگان کم‌سرمایه کرده است. دستفروشی تنها یک فعالیت فردی برای امرار معاش نیست، بلکه در برخی موارد، به شکل یک شبکه سازمان‌یافته و دارای سرشاخه‌های قدرتمند عمل می‌کند. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهند که در مناطق پرتردد تهران، مانند خیابان ۱۵ خرداد یا بازار علاءالدین، کرایه روزانه هر متر از فضای دستفروشی می‌تواند به ۵ میلیون تومان نیز برسد. براساس اظهارات مدیرعامل پیشین شرکت ساماندهی مشاغل تهران، برخی افراد تا ۸۰ بساط دستفروشی را تحت مدیریت خود دارند و با استخدام کارگران روزمزد، این شبکه را اداره می‌کنند. مافیای دستفروشی نه تنها دسترسی افراد عادی را به این بازار محدود کرده بلکه از طریق شبکه‌های اجتماعی، نیروی کار استخدام می‌کند و در بسیاری از موارد، کالاهای قاچاق یا حتی اموال سرقتی را در میان بساط‌ها توزیع می‌کند. بر همین اساس، برخی کارشناسان اقتصادی معتقدند که برای مقابله با این شبکه‌های غیررسمی، لازم است فرآیند شناسنامه‌دار کردن دستفروشان واقعی و کنترل بازار توسط نهادهای قانونی انجام شود. حدود ۹۰ درصد از دستفروشان هیچ شغل دیگری ندارند و ۹۸ درصد آنان حتی یارانه نیز دریافت نمی‌کنند. به‌رغم تلاش‌ها، درآمد آنها در بسیاری از موارد کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد. بر همین اساس، برخی اقتصاددانان، گسترش دستفروشی را بیش از آنکه نتیجه سودجویی مافیایی بداند، حاصل فقر و رکود اقتصادی کشور می‌دانند. حسین راغفر، اقتصاددان، در این زمینه می‌گوید: «دستفروشی، نتیجه فقر ساختاری و رکود اقتصادی است. وقتی که بخش رسمی اقتصاد توانایی ایجاد اشتغال ندارد، مردم ناچارند برای تأمین حداقل‌های زندگی به خیابان‌ها بیایند». با این حال، منتقدان این پدیده معتقدند که گسترش بی‌رویه آن در معابر عمومی، علاوه بر لطمه زدن به چهره شهری، موجب رقابت ناعادلانه با اصناف رسمی و افزایش آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

با توجه به شرایط پیچیده اقتصادی و گسترش دستفروشی در کلانشهرها، کارشناسان راهکارهای مختلفی برای مدیریت این پدیده ارائه داده‌اند: شناسنامه‌دار کردن دستفروشان: تخصیص شناسه رسمی به دستفروشان و الزام به استفاده از کارت‌خوان می‌تواند هم فعالیت آنها را قانونی‌تر کند و هم از سوءاستفاده شبکه‌های مافیایی جلوگیری کند. ایجاد بازارهای موقت و فصلی: تخصیص فضاهای مشخص برای دستفروشان در نقاط مختلف شهر، به جای فعالیت پراکنده در خیابان‌ها، می‌تواند به نظم شهری کمک کند. افزایش حمایت از مشاغل خرد: ارائه وام‌های کم‌بهره و کمک‌های دولتی برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک، می‌تواند دستفروشان را به تدریج به سمت ایجاد مشاغل پایدار هدایت کند. نظارت بر فعالیت مافیای دستفروشی: برخورد قانونی با شبکه‌های سازمان‌یافته که با ایجاد انحصار در این بازار، بهره‌کنشی از نیروی کار ضعیف را تشدید می‌کنند، یکی از اقدامات ضروری در این زمینه است.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیراقتناعی

مدیریه‌ری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌ن‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

شاعر عاشقانه‌های جهان

در روز بزرگداشت نظامی به زندگی و آثار این شاعر ایرانی پرداختیم



می‌گرفت. با همه این امتیازات به هیچ وجه نشانی از این آدم در تقویم ما که نشان فرهنگی و هویتی ماست، وجود نداشت؛ درحالی که شهریار که شاعر معاصر است و شاعران دیگر در تقویم بودند». چند سال پیش آذربایجان اعلام کرد که نظامی آذربایجانی است، اگرچه به گفته این استاد دانشگاه در اینکه اهل آذربایجان است، حرفی نیست چون در گنجه متولد و فوت شده اما اینها دیگر گنجه را گنجه متعلق به فرهنگ ایرانی نمی‌دانند و آن را گنجه امروز می‌دانند. طبق اطلاعات و اسناد موجود، گویا نخستین بار استالین در شوروی با «آذربایجانی خواندن نظامی» این قضیه را آغاز کرده است. «سرگنی آقاجانیان»، شرق‌شناس معروف در مقاله «پنجاهمین سالگرد یک تحریف فرهنگی» که در مجله ایران‌شناسی چاپ شد، نوشته است که استالین در سوم آوریل ۱۹۳۹ میلادی در روزنامه «پراودا» ارگان حزب کمونیست، نظامی را با استناد به یک بیت شعر از او، شاعری متعلق به آذربایجان و ترک‌زبان معرفی کرده است.

با او یار نبود و هر سه بار که ازدواج کرد، همسران خود را از دست داد. او با هر یک از این سه زن، نه همزمان که یکی پس از مرگ دیگری ازدواج کرده بود. زمانی که «خسرو و شیرین» را می‌نوشت همسر اول؛ «آفاق» خانم هنوز زنده بود و زندگی عاشقانه‌ای در کنار هم داشتند اما از بخت پریشان، او را از دست داد. همسر دوم را که اختیار کرد سومین همسر تکرار شد و جمال‌الدین ابومحمد در «اقبال‌نامه» به این داغ فراق اشاره کرده است. نظامی از آفاق یک پسر به نام محمد داشت که در پنج‌گنج خویش به آن اشاره کرده و در مثنوی‌های «خسرو و شیرین»، «لیلی‌ومجنون» و «هفت‌پیکر» بیت‌هایی را در نصیحت او آورده است. او تا دوران جوانی آموختن علوم مختلف را در دست گرفت و به زبان‌های آذری، عربی، فارسی و پهلوی، مسلط شد و سرودن شعر و درآوردن ماجراهایی عاشقانه و عارفانه به صورت نظم را از همان دوران پیش گرفت.



بیشتر مردم دنیا نظامی‌گنجوی را به واسطه مثلث عشقی که میان شیرین، خسرو و فرهاد بنا نهاده می‌شناسند و همواره از آن به عنوان زیباترین عاشقانه‌های جهان یاد می‌شود. نظامی، شاعر و داستان‌سرای معروف ایرانی قرن ششم هجری است که در شعر، به‌ویژه در داستان‌سرایی در قالب مثنوی، صاحب سبک و از مهم‌ترین گنجینه‌های ادبیات فارسی است. چنین شاعری که آوازه آن از حدود دو قرن پیش در انگلستان، ایتالیا، آلمان و حتی ژاپن شنیده شده است تا یک دهه پیش، هیچ سهمی از تقویم رسمی کشور نداشت. اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی سرانجام سال ۱۳۹۵ بیست‌ویکمین روز اسفند که به روایتی روز درگذشت او هم هست را برای بزرگداشت او نامگذاری کردند. سازندگی به همین مناسبت به اهمیت این شاعر مهم ایرانی پرداخته است.

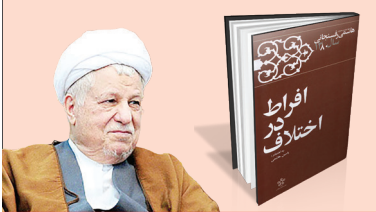
◀ ایرانی، اهل گنجه و عراقی‌الاصل

جمال‌الدین ابومحمد معروف به نظامی در گنجه متولد شد اما تاریخ دقیق میلاد او چندان مشخص نیست ولی سال به دنیا آمدن او را می‌توان بین سال‌های ۵۳۳ تا ۵۴۰ هجری قمری در نظر گرفت؛ احتمالاً بین سال‌های ۶۰۰ تا ۶۰۲ هجری را نیز از دنیا رفته است. نظامی‌گنجوی شهرت خود را هم از شهر گنجه که در آن متولد شد و در آن از دنیا رفت، گرفته است. نیاکان او از مردمان عراق عجم بوده‌اند بنابراین برخی معتقدند که نظامی عراقی‌الاصل است. مرحوم استاد وحید دستگردی در مقدمه کتاب «گنجینه گنجوی» در این باره نوشته که «عراقی‌الاصل بودن وی مسلم است؛ بدین دلیل که در همه جا عراق را ستایش و همواره به دیدار عراق و مسافرت بدین صوب [= جانب، ناحیه و طرف] اظهار شوق کرده؛ و از آن جمله است: گنجه‌گره کرده گریبان من / بی‌گرهی گنج عراق آن من / بانگ برآورد جهان کای غلام/ گنجه کدام است و نظامی کدام؟ یعنی گنج ملک عراق عجم بی‌گره توطن و سکونت، از آن من است و من از آن دیارم، ولی گنجه گریبان مرا بر خود گره کرده و نمی‌توانم از آن جایگاه به سمت عراق بروم». گنجه یکی از شهرهای قدیم ایران و بخشی از ولایت اران به شمار می‌رفته که امروزه در جمهوری آذربایجان واقع شده است.

◀ ماجرای مرگ سه همسر

نظامی‌گنجوی از بخت بد روزگار، پدر و مادر خود را خیلی زود از دست داد. آن‌طور که از شعرهایش برمی‌آید در ازدواج هم بخت

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۲۷

سه‌شنبه ۴ دی

دیدار با نمایندگان اقلیت‌های ارامنه

آقای [محمدعلی] شرعی، [مدیر حوزه‌های علمیه خواهران] همراه مدیران دانشگاه [علوم] پزشکی فاطمیه قم آمدند. سیر تاریخی تأسیس آن با هدف انطباق نظامات پزشکی با اسلام را توضیح دادند و کارشنک‌نی‌های وزارت بهداشت و تحریکات دوم خردادی‌ها که باعث تحصن و مخالفت دانشجویان شده؛ برای تقویت آن استمداد کردند. اکنون بیمارستان و حدود هزار دانشجوی دختر دارند. گفتم، اگر با محور پژوهش‌های عمیق عمل شود که مناسب با رسالت حوزه باشد، خوب است و اگر صرف آموزش پزشکی باشد، کاری است که دانشگاه‌های دولتی انجام می‌دهند.

[آقایان ژرژیک آبرامیان، لون داویدیان، یونانتن بت‌کلیا، موریس معتمد و خسرو دبستانی]، نمایندگان اقلیت‌های ارامنه کشور، آنسوری و کلدانی، کلیمیان و زرتشتیان آمدند و ضمن قدردانی به خاطر کمک‌هایی که به اقلیت‌ها کردم، در مورد مسأله دیه وارث و بعضی مصادرها، مشکلات‌شان را مطرح کردند.

عصر جمعی از افرادی که برای انجام مراسم نماز عید فطر خدمت کرده بودند، آمدند. آقای [جواد] مقصودی، [رئیس ستاد برگزاری نمازجمعه تهران] گزارش داد و من هم درباره اهمیت مراسم و حضور مردم در صحنه صحبت کردم.

شب میهمان رهبری بودم. گفتند، آقای خاتمی را به خاطر برنامه دانشگاه تهران و سخنرانی ایشان، شماتت کرده‌اند؛ زیرا برنامه مُضری بود و بی‌جهت به مخالفان نظام، میدان ابراز وجود داده شد و صحبت‌های آقای خاتمی هم با وحدت مسئولان که از وظایف رئیس‌جمهور است، منافات دارد. به علاوه در نهایت معترضان طلبکار و نظام بدهکار از آب درآسد و نیز از مصوبات مجلس در مورد صداوسیما و هیأت منصفه، ابراز ناراحتی و نیز از اظهارات امروز آقای بهزاد نبوی، [نایب‌رئیس مجلس] در مجلس و فتنه‌های جمعی از دوم خردادی‌ها، ابراز خشم کردند.

با رفع حصر از آیت‌الله منتظری و عفو آقای عبدالله نوری، بدون پس گرفتن حرف‌های مضر، موافق نیستند. من هم در مورد بی‌تدبیری قوه قضاییه در اجرای برنامه مبارزه با فساد اقتصادی و بردن آبروی خانواده‌هایی مثل آقایان [قری‌بعلی] دژئی[نجف‌آبادی] و [مرتضی] مقتدایی، انتقاد کردم. گفتم، چون به عنوان اجرای نظر شما مطرح می‌شود، خودتان نظارت کنید که بی‌تدبیری نشود. ایشان انتقاداتی از بی‌تدبیری آنها در برخورد با ملی‌مذهبی‌ها دارند.

در مرز اردن به سربازان اسرائیل حمله شده و اسرائیل هم به خاک اردن تجاوز کرده است. در این مورد و فشار اسرائیلی‌ها بر فلسطینی‌ها و احتمال حمله آمریکا به عراق مذاکره کردیم. ایشان هم نگرانی دارند؛ معتقدند باید برای مهار آمریکا فکر شود.

بالاخره اسرائیل اجازه نداد که [یاسر] عرفات در مراسم کریسمس در بیت‌لحم شرکت کند و خیلی‌ها اسرائیل را به این خاطر سرزنش کردند. تشنج در مرز هند و پاکستان و حملات لفظی به یکدیگر و تهدید رسمی، باعث نگرانی است. امروز آقای [حسین] لقمانیان، نماینده همدان که [به اتهام توهین و نشر اکاذیب] محکوم شده بود را به زندان بردند و مجلسیان سخت به تکاپو افتاده‌اند و هیأت رئیسه مجلس، خواستار آزادی فوری او شده است.

تقویم

بازخوانی یک جنایت تاریخی

مردی که با سیانور زنان را به قتل می‌رساند



حدود ۹۰ سال پیش سیدمحمدعلی وکیلی ملقب به سیف‌القلم، خانه‌ای در شیراز کرایه کرد، چندین گودال در کف زیرزمین‌ها و اتاق‌ها ایجاد کرد و مقداری سیانور خرید و آماده شد تا قتل‌های زنجیره‌ای را آغاز کند. چهار ماه بعد که ۸ زن و ۲ مرد را در شیراز به وسیله سیانور کشته بود، دستگیر شد و روزنامه اطلاعات ۱۶ اسفند ۱۳۱۳ گزارشی درباره این قاتل منتشر کرد. او در اعترافات خود گفته بود: «۴ ماه قبل این خانه را اجاره کردم و چندین گودال در کف زیرزمین‌ها و اتاق‌ها تهیه کردم و مقداری دوی سیاه‌نور [سیانور] که به مصرف عکاسی می‌رسد خریدم و آماده شدم که زنان بدکار و فواحشی که مبتلای به مرض سفلیس (کوفت) هستند و مردانی که شغل دلالتی زنان را دارند، تلف کنم. آنها را می‌فریقتم به خانه می‌آوردم با آنها مهربانی می‌کردم و به آنها میوه می‌دادم که شما ضعیف و مریض و ناتوانید و من طبیب و حکیم و دوی این‌درد را دارم. از این مواد در آب با چای در غذا سیاه‌نور می‌ریختم و به آنها می‌خورانیدم، بلافاصله فوت می‌شدند. به دست خود آنها را لخت کرده در گودال‌ها می‌چپانیدم و روی آنها گچ می‌ریختم. محمدرضا فوری فوت نشد با کلنگ بر سرش کوبیدم. چنان مغزش پریشان شد که به در و دیوار خون و مغز پاشیده شد، فردا گچ خریدم و دیوار را سفید کردم». او پیش از آمدن به شیراز، مرتکب ۶۱ مورد جنایت در هندوستان شده است. محمدعلی وکیلی مشهور به سیف‌القلم فرزند سیدعبدلطیف و متولد سال ۱۲۸۷ در کشور عراق و از مادری عرب بود که پس از مدتی پدر و مادر او از یکدیگر جدا می‌شوند و سیف‌القلم به‌اتفاق پدر خود راهی هندوستان شد و به شرارت و جنایت پرداخت که ازجمله با اجاره سالن آمفی‌تئاتر به‌نام امپریال و استخدام جوانان ناآگاه و بی‌گناه به عنوان بازیگر تئاتر و شعبده‌بازی، مردم را به نمایش شعبده‌بازی خود دعوت می‌کند و با عنوان اینکه سر انسانی را می‌برد و دوباره او را زنده می‌کند. تعداد ۲۸ نفر جوان را در مدت کمتر از یک ماه در آنجا کشت و در موردی دیگر با همدستی شخصی افغانی به نام محمد صوبه‌دار حدود ۴۰ نفر از رانندگان وسایل نقلیه را به نام کافر می‌کشد و خودرو آنان را اسرقت می‌کرد تا اینکه در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی از هندوستان به ایران و به شیراز رفت و با درج اطلاعیه‌ای در روزنامه، خود را پزشک تحصیل‌کرده در اروپا، آمریکا و هندوستان معرفی کرد. فواد فاروقی، نویسنده ایرانی کتاب «سیف‌القلم: مردی که پس از مرگش هم، جنایت می‌کرد» درباره او نوشته است: «او همه تغییرات روانی و رفتاری خود را مربوط به زمانی می‌دانشد که از مرتاض پنجاب‌ی آموزش‌های لازم را فرا گرفته بوده، ادعاهایش هرچند عجیب بود اما با شرایط روحی و حالاتش می‌خواند؛ ازجمله او مدعی بود که در هیپنوتیزم به تسلط کامل دست یافته است و با نگاهی قادر است افراد را در خواب مصنوعی فرو برد و بعد آنان را به کارهای مختلفی وا دارد به‌گونه‌ای که پس از بیدار شدن از خواب مصنوعی به یاد نیاورند به چه کارهایی دست زده‌اند»، در نهایت سیف‌القلم در سال ۱۳۱۴ در شیراز در ملاعام به دار آویخته شد و ماجرای یکی از جنایت‌های تاریخی ایران پایان یافت.

◀ شناخته شده در جهان

در انگلستان نخستین بار سر ویلیام جوز، نظامی را به جامعه اروپا معرفی کرد. «مخزن‌الاسرار» در سال ۱۸۴۴ میلادی به انگلیسی در ۲۰۰۵ به آلمانی و بعد به عربی ترجمه شد. «لیلی‌ومجنون» سال ۱۸۳۲ میلادی به انگلیسی و یک قرن بعد به آلمانی، عربی، چینی و به ژاپنی ترجمه شد. «اسکندرنامه» از سال ۱۸۸۱ به انگلیسی، آلمانی، روسی و ژاپنی و «خسرو و شیرین» هم از همان سال‌ها به انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، گرجی و ژاپنی ترجمه شد. «هفت‌پیکر» دیگر اثر نظامی هم به انگلیسی، روسی و ایتالیایی ترجمه شده است.

نظامی‌گنجوی تمام عمر خویش را در گنجه گذراند؛ جز سفری کوتاه این شهر را ترک نکرد و در همین شهر هم جان خود را از دست داد. او مانند ناصرخسرو یا سعدی اهل مسافرت‌های دورودراز نبود و از این جهت بیشتر به حافظ شباهت داشت. به نوشته حسن وحیددستگردی، نظامی‌پژوه ایرانی حدود ۲۰۰ سال پیش شخصی به نام آدی کوزل، مقبره حکیم‌نظامی را که در شهر قدیم گنجه واقع بوده، بازسازی کرده است و پس از او نیز یکی از فرزندانش آن را دوباره مرمت می‌کند اما بعد از این‌ مرمت‌ها مقبره به حال خود رها شد به‌گونه‌ای که در حدود یک سده پیش، آرامگاه حکیم‌نظامی با ویرانه تفاوتی نداشت تا اینکه در ۱۹۲۳ میلادی کمیسونی با عنوان «کمسیون نظامی» تشکیل می‌شود تا به آرامگاه حکیم‌نظامی سروسامان دهد.